

منتصر السلطان - راجع به آن تلگراف
 ثابری است .
نایب رئیس - آنکه در مجلس خوانده
 نشده است .
منتصر السلطان - پس در موقعیکه آن تلگراف خوانده شد بنده عرضی دارم و اجازه می‌خواهم که فهرستی از کارهای مجلس که در این دوره شده است عرض کنم .
ارباب کیخسرو - بنده متهم فرمایش آقای منتصر السلطان را می‌خواهم عرض کنم و کاری به تلگراف آذربایجان ندارم از دور نزدیک می‌شنویم که میگویند در این دوره قانونی از مجلس نگذشته اگرچه متأسفانه بعضی قوانینی که گذشته است بطوریکه باید بوقع اجرا بیاید نیامده است ولی ما به تکلیف خودمان باید عمل کنیم و یکی از قوانینی که امروز هم در راپورت کمیسیون قوانین مالی که خوانده شد اشاره بآن شده بود که از مجلس گذشته است قانون معاسیات عمومی است که مدتی وقت مجلس صرف آن شده برای یک ماده که بکمیسیون تفسیر رفته است همین طور ماده است چند جلسه قبل آقای مرتضی‌الملک فرمودند که تمام شده است و لازم نیست که بکنفر دیگر نرسد آن کمیسیون انتخاب شود آن راپورت تمام شده است یک جلسه دیگر لازم است که راپورت خوانده شود و مجلس خواهد آمد متأسفانه حالا چند جلسه است که بگذرد هیچ‌کاری از آن راپورت ظهور رسیده است .
 واقعا از بسکه ما در اینجا اظهار کرده ایم دیگر خجالت میکشیم که در اینجا در آن خصوص مذاکره کنیم چه در هر چه حال اعضای کمیسیون رخ میدهد که این بیانات را می‌شنوند بنده مخصوصاً تقاضا میکنم از اعضای آن کمیسیون که بیش از این غفلت نکنند و راپورت شان را بدهند و دیگر ما را منتظر نگذارند .
معاضد الملک - بموجب نظام نامه داخلی هر لایحه یا طرحی که رجوع شد بیک کمیسیون و پیش از یک ماه بتأخیر امتداد خود مجلس یا یک نفر نماینده حق دارد تقاضا کند که بین آن در مجلس حل شود حالا بنده بموجب این ماده نظام نامه تقاضا میکنم که در مجلس مطرح شده حل شود .
 (اغلب این تقاضا را تصدیق نکردند)
انتخاب اواعظین - بنده فقط می‌خواهم ناظر نمایندگان را معترض کنم که دو نفر از کمیسیون داخله استعفا داده اند و بعد کسر شده است باین جهت بدینخانه کمیسیون نتوانست امروز منعقد شود برای اینکه اعضای حاضر کمیسیون داخله شش نفر است اقلش باید چهار نفر حاضر شوند تا کمیسیون بتواند شروع در مذاکره نماید و امروز سه نفر از اعضا حاضر نشده بودند و کمیسیون نتوانست منعقد شود و بنده مخصوصاً از آقای رئیس تقاضای کنم که انتخاب کسر کمیسیون داخله عرض اعضاء استعفی راجع دستور جلسه آنجا بگذارند .

نایب رئیس - کسر کمیسیونها در جلسه آتیه باید انتخاب شود چون از اعضای کمیسیون قوانین مالی هم بعضی استعفا داده اند - دستور جلسه آتیه بقیه شود قانون دیوان معاسیات - راپورت کمیسیون نظام راجع طرح وزارت جنگ در خصوص فزون ایلپاتی - انتخاب کسر کمیسیون ها - بقیه کتورات مسیومولتر - و اگر مجال بشود راپورت کمیسیون داخله راجع به تجزیه بلوچستان از کرمان
ارباب التجار - تمام خرابی مملکت را همه میدانید از عدلیه است و آقایان هم انظارشان کمیسیون است و این خرابی عدلیه باندازه است که تمام مردم را بصدا در آورده آقایان نمایندگان هم میدانند که تا عدلیه را تصفیه نکنند و تا قوانینی بدست آنها ندهند تصفیه نخواهد شد چنانچه خودتان به تجربه دانسته اید که تا قوانین تشکیلات عدلیه که چند ماه است آقای مشیرالدوله زحمت ها کشیده اند و در گوشه کمیسیون مانده است کمان می‌کنم آقای حاجی شیخ الرئیس و سایر اعضای کمیسیون عدلیه هم موافقت دارند که در جلسه آتیه جزء دستور گذاشته شود .
ارباب کیخسرو - هنوز طبع و توزیع نشده است .
ارباب التجار - من خیلی اصرار دارم که او هر چه زودتر جزء دستور گذاشته شود و مسامحه در این خصوص شود و اگر طبع و توزیع هم نشده است هر چه زودتر طبع و توزیع شده جزء دستور گذاشته شود .
نایب رئیس - قانون تشکیلات عدلیه بر کشت بکمیسیون عدلیه هنوز راپورت کمیسیون عدلیه بر نگذشته باید بکمیسیون تأیید شود که بر گردانند
ارباب التجار - این یک عرض بنده بود یک عرض دیگر بنده نیستکه آن چند ماده که در خصوص منع احتکار نوشته شده است خواهش میکنم استعفا میکنم از مقام ریاست که اقدامی بفرمایند که در این دوره تقنینیه این مواد از مجلس بگذرد چون تجربه کرده‌ام در این باره مانده است است و کمیسیون داخله هم مدتی است زحمت کشیده و حاضر کرده دیگر دواب اویاج نجف اشرف خیلی داد کشیدیم استعفا کردیم هم بدفع الوقت گذرانیدند هم فرمودند همیشه آن جلسه استعفا دارم آنرا هم در جلسه آتیه گفتگو فرمائید که اگر بناس از طرف مجلس کسی معین شود بشود اگر بناس یا مأمور دولتی برود پیش از این تویق نیفتد .
نایب رئیس - در هر دو مطلب که فرمودید مانعی ندارد و از اینکه جرم دستور جلسات آتیه گذاشته شود .
سلبان میرزا - لازم است که عرض کنم که قانون تشکیلات عدلیه بهیچوجه در کتج کمیسیون عدلیه مانده است و علاوه بر اینکه هفته سه روز باید کمیسیون عدلیه تشکیل شود هفته شش روز تشکیل می‌شود و علاوه بر این که اعضای کمیسیون شخصاً معمول هستند علمای مجلس هم از اعضاء خسته و خیره راهم زحمت داده‌ام که آنها هم ملاحظاتی خودشان را بفرمایند و این قانون تشکیلات مطرح است و اینکه قدری تأخیر شده است در آمدن مجلس بجهت

اینکه می‌خواهند کمیسیون که این قانون تقریباً اتفاق تصویب شود که وقتی که مجلس می‌آید بعضی مذاکرات نشود و باز بر گردد ولی هنوز تمام نشده است همانطور که آقای ادیب التجار اظهار اهمیت قوانین عدلیه را کردند نسبت بسایر قوانین این واضح است حالا اگر شما می‌خواهید اظهار حسن نسبت بعدلیه بفرمائید خوب است قانون استناد را مقدم بدارند که شود اول آنها گذشته است شود دوم آن مانده است شود در پیش شود آن را جزء دستور بگذارند که آنها راجع عدلیه مطابق آن تشکیل شد عدلیه هم که گذشت و عدلیه مطابق آن تشکیل شد حال استناد معلوم باشد که کدام معتبر است کدام غیر معتبر است برای اینکه اساس رسیدگی عدلیه بر استناد است و او در حال مقدم است پس خوب است آن را جزء دستور بگذارند و بنده مخصوصاً تقاضا میکنم که او جزء دستور گذاشته شود .
نایب رئیس - قانون استناد آنرا در روز چهار دستور بود چون رسم است آنچه جزء دستور است دیگر تجویز نمی‌کنیم والا جزء دستور بود .
حاج شیخ الرئیس - چون جناب ممتاز - السوله از اعضاء کمیسیون عدلیه بوده اند و حالا که بمقام ریاست نائل شده اند البته مهمات ریاست ایشان را مانع از حضور در کمیسیون نخواهد شد یعنی بنظر بنده حال اگر حاضر میشوند که البته بهتر است در این دایره حضور آتیه عرض ایشان انتخاب شود .
نایب رئیس - باید از خود ایشان سؤال شود .
 (در این موقع که بکساعت از شب گذشته است نایب رئیس حرکت کرد و مجلس ختم شد)
جلسه ۴۵۹
صورت مشروح روز شنبه ۱۱ شهر صفر ۱۳۲۹
 مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب آفتاب بر ریاست آقای ممتازالدوله تشکیل شده . صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود .
 (قارئین روز پنجشنبه)
 دمخدا - سپهدار اعظم - سردار احمد - بدون اجازه .
 حاج آقا - آقا شیخعلی اجازه اسان الحکماء مرخص بودند .
 رئیس - هیئتی که از طرف مجلس بقرعه معین شده بودند که بحضور آقای نایب السلطنه شرفیاب شوند دیروز شرفیابی حاصل کردند و مراتب تیریکات نمایندگان را بر عرض رسانیدند خاطر مبارکشان از این مسئله خیلی خوشوقت شده خیلی متنون شدند و مخصوصاً فرمودند که مراتب امتنان قلبی ایشان را بر عرض نمایندگان برسانیم .
 شروع شورد در قانون دیوان معاسیات شد .
 ماده (۱۰۹) لایحه وزیر - پنجروز قبل از شروع بنجد نظر مدعی العموم باید استناد برآورد که برای اثبات مطالب خود در دفتر دیوان معاسیات بدهد تا صورتی از آن استناد برای طرف مقابل فرستاده

شده و مستحضر شود [کمیسیون این طور پیشنهاد کرده بود] .
 ماده ۱۱۶ - پنج روز قبل از شروع رسیدگی اعتراض مدعی العموم باید اسنادی را که برای اثبات مطالب خود دارد بدفتر دیوان معاسیات بدهد تا صورتی از آن اسناد بجهت طرف مقابل فرستاده شده و مستحضر بشود .
فهییم الملک - لفظ (مدعی العموم) در اول ماده بگذارند شاید بهتر باشد برای این که این طور اسباب اشتباه می‌شود اینطور نوشته شود - مدعی العموم پنج روز قبل از شروع رسیدگی اعتراضی باید اسنادی را که برای اثبات مطالب خود دارد تا آخر ماده .
 رئیس - دیگر ملاحظاتی در این ماده نیست ؟ (اظهاری نشد) پس رای می‌گیریم کسانی که ماده ۱۱۶ را بطوری که کمیسیون پیشنهاد کرده است تصویب می‌نمایند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)
 ماده (۱۱۰) لایحه وزیر - بعد از این اقدامات در روزیکه معین شده محکمه منقده و شروع بمعا کمه می‌نمایند و مستشاریکه سابقاً برای معا کمه ابتدائی حساب معین شده بود راپورت آن حساب را اظهار و صاحب جمع باو کیش ملاحظاتی توضیحات خود را ابراز و مدعی العموم رای قطعی خود را بیان می‌نمایند [کمیسیون این طور پیش نهاد کرده بود] .
 ماده ۱۱۷ - بعد از این اقدامات در روزی که معین شده محکمه منقده و شروع بمعا کمه می‌نمایند و مستشاری که اخیراً برای مخبری معین شده بود راپورت آن حساب را اظهار و صاحب جمع باو کیش ملاحظاتی توضیحات خود را داده و مدعی العموم رای قطعی خود را بیان می‌نمایند .
رئیس - در این هم مخالفی که نیست ؟ (اظهاری نشد) رای می‌گیریم کسانی که این ماده را بطوریکه کمیسیون پیشنهاد کرده است تصویب می‌کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)
 ماده ۱۱۱ - لایحه وزیر - همین که مذاکرات و مباحثات ختم شد محکمه در آن جلسه یا جلسه دیگر حکم صادر خواهد کرد و صورتی از آن بمدعی العموم داده می‌شود تا بصاحب جمع برساند و هر صاحب جمع هم می‌تواند سواد حکم یا قرارداد را از دفتر دیوان معاسیات بخواند (کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود)
 ماده ۱۱۸ - « همین که مذاکرات و مباحثات ختم شد محکمه در همان جلسه یا جلسه دیگر حکم صادر خواهد کرد و صورتی از آن بمدعی العموم داده خواهد شد تا بتوسط اداره متبوعه صاحب جمع باو ابلاغ نماید و صاحب جمع نیز می‌تواند سواد حکم مزبور را از دفتر بخواند »
رئیس - مخالفی که در این ماده نیست ؟ (گفته شد) پس رای می‌گیریم کسانی که این ماده

را بطوریکه کمیسیون پیشنهاد کرده اند تصویب می‌کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)
 ماده ۱۱۲ - لایحه وزیر - مضمون حکمی که از طرف محکمه صادر می‌شود معین حساب در ذیل صورت حساب می‌نویسد رئیس و سایر اعضاء محکمه ذیل آن را امضاء می‌کنند و منشی باشی یا معاون او سوادی از آن حکم نوشته بامضای رئیس دیوان معاسیات رسانده بتوسط مدعی العموم برای وزارت خانه متبوعه صاحب جمع ارسال خواهد داشت (کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود)
 ماده ۱۱۹ - مضمون حکم بتوسط دفتر دار کل در ذیل صورت حساب قید خواهد شد .
حاج سید ابراهیم - در ماده (۱۰۵) این مورد نوشته شده بود که پس از آنکه حکم صادر واصل آن امضاء شد دفتر دار کل مضمون آن را در صورت حساب قید خواهد کرد و این همان ماده است بلکه یک علاوه در آنجا بود که دفتر دار کل مضمون آن را در صورت حساب قید میکند و در اینجا نوشته شده است که [بتوسط دفتر دار کل در ذیل صورت حساب قید خواهد شد] در صورتیکه بتوسط دفتر دار کل منعی ندارد گویا این همان ماده است باین جهت تصور میکنم که چندان لازم نیست و همان ماده (۱۰۵) کافی است .
فهییم الملک - این مواد کلیه شرح مواد سابق است و چنانچه سابقاً عرض کردم در لایحه وزیر ترتیباً مختلفه ممالک را تطبیق نکرده بودند مثلا معا کمه تجدید نظر و معا کمه ابتدائی را از پیشنهاد وزیر مخلوط کردند و هیچ ممکن نبود که از هم دیگر آنها را امتیاز داد در کمیسیون کاری که کردند این است که ملاحظه بفرمایند که این ترتیبات را از هم تفکیک کردند و بعضی مواد را هم اضافه کرده اند و در واقع این همان مواد مخلوط است که از هم تجزیه شده است علاوه بر این آنچه در سابق نوشته شده بود راجع معا کمه ابتدائی بود و این که حالا اینجا گفته میشود حکمی است که در صورت اعتراض صادر میشود .
حاج آقا - جواب جز عاقل اعتراض آقای حاج سید ابراهیم را آقای مخبر فرمودند و همان طور است که بیان کردند ولی این عبارت دوم را که بتوسط دفتر دار کل مضمون حکم را در ذیل صورت حساب قید خواهد کرد در کمیسیون هم همینطور اصلاح شد دیگر نمی‌دانم بطور چه است که اینطور در در راپورت نوشته شده است .
فهییم الملک - همان عبارتی که در کمیسیون تصویب شد مقصود این است که دفتر دار کل مواظب اینکار باشد حالا دیگر حکم نیست که خود دفتر دار این را بنویسد باید این مطلب نوشته شود حالا یا خود او بنویسد یا بتوسط او نوشته میشود .
 (ماده مزبور با اصلاح ذیل قرائت شد)
 دفتر دار کل مضمون حکم را در ذیل صورت حساب قید خواهد نمود .
رئیس - دیگر مخالفی در این ماده هست (اظهاری نشد) رای می‌گیریم کسانی که این ماده با این اصلاح موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد) .

(مواد ذیل را کمیسیون بر قانون دیوان معاسیات پیشنهادی وزیر اضافه کرده بود)
 ماده ۱۲۰ - در مواظبتیکه صاحب جمع در مواظبت مقرر حساب خود را بدیوان معاسیات تسلیم نکند و موافق ماده (۹۱) باید خود دیوان معاسیات اقدام نماید از این قرار رفتار خواهد شد مدعی العموم مراتب را کتباً بدیوان معاسیات اظهار میکند و حکمی از طرف دیوان مزبوره متضمن بهیئت مذکور در ماده (۹۱) باشد صادر می‌شود حکم مزبور بتوسط مدعی العموم با اداره متبوعه صاحب جمع داده خواهد شد که باو ابلاغ کند .
حاج سید ابراهیم - ماده (۹۱) که در خصوص مجازات بود بکمیسیون برگشت و گمان میکنم که این مواد را هم نمی‌شود در آنها مذاکره کرد بجهت اینکه مربوط بآن ماده است و متفرغ بآن ماده می‌شود .
فهییم الملک - این هیچ دلیل نمی‌شود که نباید در این مواد مذاکره کرد برای اینکه بالاخره یک مجازاتی در آن خصوص معین خواهد کرد هر قسم که در آنجا معین کردند این هم مطابق آنها خواهد بود و الا همچون نیست که بکلی بی‌مجازات بماند .
رئیس - رای می‌گیریم در این ماده کسانی که موافقت در این ماده بایشانند کمیسیون قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد)
 ماده ۱۲۱ - (اگر صاحب جمع باو کیش از برای مدت حاضر شد مطابق ماده (۸۸) و بعدا رفتار می‌شود در صورتیکه در رأس و عده حاضر نشود رئیس محکمه بدخواست مدعی العموم می‌تواند روز معا کمه را معین و یک نفر از مستشاران را بسمت مخبری بقرار کند) .
رئیس - مخالفی در این باب نیست ؟ (گفتند خیر) - رای می‌گیریم بر ماده (۱۲۱) بطوریکه خوانده شد کسانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد) .
 ماده ۱۲۲ - (در روز معین دیوان معاسیات موافق ماده (۹۲) صاحب جمع را بیک جزای نقدی محکوم ساخته و حکم میکند که مدعی العموم حساب صاحب جمع را بوسائل مقتضیه ترتیب داده تسلیم نماید تا در محکمه رسیدگی شود . این حکم با اداره متبوعه صاحب جمع داده می‌شود که باو ابلاغ کنند برای حکم دیوان معاسیات موافق ترتیبات مواد (۱۰۹) تا (۱۱۸) می‌توان اعتراض کرد .
حاج سید ابراهیم - این عبارت آخر که موافق ترتیبات مواد (۱۰۹) تا (۱۱۸) که توضیحی لازم دارد که مشبه نشود دیگر اینکه دیوان معاسیات رسیدگی کرد اگر صاحب جمع باقی دارد حکم میکند از او بگیرند اگر فاضل دارد که میگوید باو بدهند و الا گفته باقی دارد و نه فاضل که تقاضا میدهد و دیگر این ها چیزی نیست که صاحب جمع بان اعتراض نماید این را خوب است مخبر توضیح بدهد .
فهییم الملک - این ماده راجع میکند بخواه قبل و اگر در آنها ملاحظه بفرمائید رفع اشکال میشود **رئیس -** مخالفی دیگر در این خصوص هست (اظهاری نشد) رای می‌گیریم کسانی که با ماده

۱۲۲ موافقت دارندهایم نماینده (اغلب قیام کردند و تصویب شد)

ماده ۱۲۳ - استعفاءی تجدید نظر باید در ظرف مدت مذکور در ماده (۷۲) بعمل آید و تمام استنادیکه راجع بصحت تقاضا است منضم به عرض حال شود و این عرض حال با استناد مزبور باید بطرف ابلاغ و ردیسی از آن دیوان محاسبات در باب قبول استعفاءی تجدید نظر شور کرده و بعد بترتیب معمول حکم صادر میکند.

حاج آقا - بنده باضمون این ماده مخالف نیستم ولی بناشد در کمیسیون این قید را در اینجا بکنند که صورت در باب قبول و عدم قبول اعتراض در اطاق مخصوص و در اطاق مشاوره باشد و در اینجا نوشته نشده است.

فهییم المملک - در کمیسیون همین مذاکره شد بالاخره گفتند که این ترتیب را باید خودشان بدهند که در اطاق مشاوره یا اطاق مخصوصی این صورت بعمل بیاید و این چیزی نیست که در قانون نوشته شود.

رئیس - حال رای میگیریم کسانی که با ماده (۱۲۳) موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)

ماده ۱۲۴ - در صورت قبول تجدید نظر حکمی که صادر میشود مستند بدلیلی نخواهد بود حکم مزبور با مضاعف دفتر دار کل رسید به شخصیکه استعفاءی تجدید نظر کرده یا بوجوب ابلاغ میشود و تاریخ در کتابچه ثبت و در ظرف سی روز از این تاریخ مواد دیگری بجزر شخص مستعفی ابلاغ و پس از آن موافق ترتیبی که در باب مجاز که ابتدائی گفته شده عمل میشود.

حاج عجز الممالک - یکاظنی را در کمیسیون گفته ام در اینجا هم تکرار عرض میکنم کلام استعفاء به (تقاضا) تبدیل شود.

آقا شریح ابراهیم - این عبارت که حکمی که صادر میشود مستند بدلیلی نخواهد بود خوب نیست حکم همیشه مستند بمقابل خواهد بود در حکم ذکر دلیل میشود پس خوب است اینطور نوشته شود در حکمی که صادر میشود ذکر دلیل نخواهد شد.

فهییم المملک - ضرر ندارد که همین طور بیکه فرمودند نوشته شود - در حکمی که صادر میشود ذکر دلیل نخواهد شد.

وکیل التجار - بنده عرض میکنم که اینجا لابد تجدید نظر بنا بر تجدید ملاحظه یک علی پیدا میکنند در آن حکم هم آن جهت و آن علت را باید بنویسند حضور میشود که حکم بدعند ولی دلیل را ذکر نکنند بنده هم از این است که باید در حکمی که صادر میشود ذکر دلیل بشود.

فهییم المملک - شرایط تجدید نظر را البته در موارد قبل ملاحظه فرموده ام که در چند مورد مخصوص تقاضای تجدید نظر قبول میشود و همین قدر که استناد خودش از فرستاد و محکم ملاحظه کرد و دید که محتاج تجدید نظر است بگوید باید تجدید نظر بشود دیگر اینست که بزرگ دلیل نیست خود آن استناد دلیل ابروم تصدیق نظر است یعنی بطوریکه عرض کردم دیوان محاسبات پس از ملاحظه استناد اگر تجدید نظر لازم دید حکم تجدید نظر میکند و اگر آن استناد را تصدیق نماید لازم نیست تجدید نظر بشود آن تقاضا را رد میکند و این در صورتیکه تقاضای تجدید نظر قبول

شد تمام آن استناد رجوع میشود بآن محکم و در این صورت دیگر لازم بذکر دلیل نخواهد بود (ماده اصلاح ذیل خوانده شد) (صورت قبول تجدید نظر در حکمی که صادر میشود ذکر دلیل نخواهد شد - حکم مزبور با مضای دفتر دار کل رسید به شخصی که تقاضای تجدید نظر کرده یا بوجوب ابلاغ میشود و تاریخ ابلاغ در کتابچه ثبت و در ظرف سی روز از این تاریخ مواد دیگری بطرف شخص مستعفی ابلاغ و پس از آن موافق ترتیبی که در باب مجاز که ابتدائی گفته شده عمل میشود.

رئیس - دیگر ملاحظاتی در این ماده هست؟ (اظهاری نشد) پس رای میگیریم کسانی که با ماده (۱۲۴) موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)

ماده ۱۲۵ - حکم قبول تجدید نظر باعث توقیف اجرای حکم اولی نیست ولی هر گاه توقیف حکم تقاضا شود دیوان محاسبات میتواند حکم را توقیف و برای این امر اگر لازم داند حکم را در وجه الضمان نماید.

رئیس - مخالفی کدر این ماده نیست؟ (گفتند خیر) رای میگیریم کسانی که با ماده ۱۲۵ موافقت میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)

ماده (۱۲۶) - در صورتیکه تجدید نظر قبول نشود حکمی که صادر میشود باید مستند بمقابل بوده شخصی که تقاضای تجدید نظر کرده است ابلاغ و استناد مذکور در ماده (۱۲۲) را که تعویب دفتر کرده بود مسترد شود.

رئیس - در این ماده مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) (ناهیاماده مزبور با تبدیل جمله حکمی که صادر میشود باید ذکر دلیل شده و تبدیل جمله مسترد شود - جمله مسترد نماینده قرائت شد)

رئیس - رای میگیریم کسانی که با ماده (۱۲۶) موافقت دارند قیام نمایند [اغلب قیام کردند و تصویب شد]

فصل چهارم در مجاز که پس از ابطل حکم

ماده ۱۲۷ - از آنکه موافق ماده (۷۱) حکم دیوان محاسبات نقض شد در جلسه عمومی رسیدگی و مجاز که شده موافق ترتیبی که در باب احکام ابتدائی گفته شد حکم قطعی صادر گردید ولی اعضائی که در صورت حکم نقض شده شرکت داشته اند بپایند در مجاز که ثانوی دخالت نمایند.

حاج سید ابراهیم - چون این مسئله حکم اخیر در مجلس عمومی میشود لابد اعضاء تمام محاکم در آنجا حاضر خواهند بود نهایت در رأی دادن شرکت نخواهند داشت از این جهت بنده تصور میکنم که عبارت آخری اینطور اصلاح شود که نباید در مجاز که ثانوی دخالت در رأی نمایند.

فهییم المملک - اینکه گفته میشود که در مجاز که ثانوی نباید دخالت داشته باشند مراد اینست که آن هیئت محکمه که این محاکمه را ابداع کرده اند اصلا در مجاز که عمومی حاضر نخواهند بود که مدینه در مجاز که داشته باشند ولی اگر قبلا یک مستشاری بسمت مغربی در آنجا باشد البته حق نطاق و اظهار عقیده را دارد.

رئیس - دیگر ملاحظاتی در این ماده هست؟ (اظهاری نشد) رای میگیریم کسانی که موافقت دارند با ماده (۱۲۷) قیام نمایند (اغلب قیام کردند و اکثریت تصویب شد)

ماده ۱۲۸ - احکام صادره که بوجوب ماده ۱۲۸ تغییر ایندیر خواهد بود.

رئیس - مخالفی که در این ماده نیست؟ (گفتند خیر) رای میگیریم کسانی که با این ماده (۱۲۸) موافقت دارند قیام نمایند [اغلب قیام نمودند و به اکثریت تصویب شد]

رئیس - بقیه این شور می ماند برای جلسه دیگر حالا چون آقای وزیر جنک تشریف آورده اند برای شور در لایحه که پیشنهاد کرده اند و فرار بود که امروز مطرح مذاکره بود شروع میکنیم مذاکره در آن خصوص (رایوت کمیسیون نظام بپارت ذیل قرائت شد)

کمیسیون نظام روز دوشنبه ۲۸ محرم ۱۳۲۹ در ساعت ظهر مانده در تحت ریاست آقای دکتر امیرخان با حضور آقای وزیر جنک منعقد گردیده در باب لایحه قانونی جلب سوار از ایلات که از طرف وزارت جنک پیشنهاد شده بود مذاکرات لازمه بعمل آمده کمیسیون نظام در مواد مزبوره با اکثریت رای داده و عین همان لایحه را با راپورت تقسیم مجلس می دارد.

[پیشنهاد کمیسیون]

ماده (۱) در کلیه ایلات که سرباز به نی باشند دولت بموجب این قانون سوار میگیرد

ماده (۲) میزان گرفتن سوار از هر سی خانوار یک سال است.

ماده (۳) مدت خدمت در زیر اسلحه سه سال است.

ماده (۴) مدت خدمت در صنف احتیاط (مدت انتظار رجوع خدمت) سه سال است و در ظرف این سه سال دولت سالی یک مرتبه در مراکز محلی سوار مذکورکیش از یک ماه نباشد سوارها را برای مشق و سان حاضر می نماید.

ماده (۵) حقوق مدت خدمت در زیر اسلحه مطابق بودجه مصوبه مجلس پرداخته میشود.

ماده (۶) خرج اسب و حقوق مدت خدمت سوار در صنف احتیاط در سال مطابق بودجه مصوبه است.

ماده (۷) تهیه اسب سوار در موقع احضار بخدمت بعهده همان سی خانوار است که آن سوار را میدهد.

ماده (۸) در مدت خدمت سوار در صنف کفالت مخارج ضروری اهل خانه آن سوار مطابق قرارداد نخواهند داشت از این جهت بنده تصور میکنم که عبارت آخری اینطور اصلاح شود که نباید در مجاز که ثانوی دخالت در رأی نمایند.

(لایحه وزارت جنک شماره ۱۱۵۳۱)

وزارت جنک در خصوص سوار از ایلات پس از مشاورات و مذاکرات در مجلس شورای نظامی با حضور بعضی از رؤسای ایلات به مجلس مقدس شورای ملی شنبه ارکانه اینطور پیشنهاد میکنند.

لزوم سوار از کلیه ایلات ایران که سرباز بده نیستند تعیین ترتیب گرفتن سوار از هر سی خانوار یک سوار.

خدمت در زیر اسلحه سه سال مدت احتیاط و انتظار رجوع خدمت سه سال.

حقوق مدت خدمت بر طبق بودجه سال تنگ و ذلیل که وزارت جنک پیشنهاد کرده است حقوق مدت احتیاط در سال هر قری هفت تومان و پنجاه اردینار با مخارج اسب در وقت حرکت دادن سوار باید آن سی خانوار اسب صحیح برای سوار بدهند تا مدت نودن آن سوار در خانه اش آن سی خانوار باید باندازه کفالت خانواده شخصی او را موافق قرار داریک رؤسای ایلات با وزارت جنک خواهند داد.

رئیس - حالا مباحثه در کلیات این لایحه است.

حاج شیخعلی - چون در شور کلی است بعضی اشتباهات برای شده دست داده است که لازم شد عرض کنم در اینکه ما یک تشوئی اضافه بر آنچه حایه داریم لازم داریم و بهترین مواضعی را هم که ما میتوانیم از آن استفاده بکنیم و فزون اخذ نماییم همین ایلات است حرفی نیست اما در مقدمه این لایحه هیچ مرفوم نشده است که آیا این سوارهایی را که میخواهند از ایلات مستخدم بکنند علاوه بر آن سوارهایی که پیش از این ایلات میدادند خواهند بود یا اینکه غیر آن آنها خواهند بود دویم اینکه این ده هزار سوار ایلات که هر سال بکنده موجب خدمت آنها است یک مخارج فرق العاده دارد و این لایحه را که وزارت جنک پیشنهاد کرده است کلی بودجه خرج لازم دارد آیا این علاوه خواهد شد از بودجه که فعلا در فزون داریم یا اینکه جزء همان بودجه خواهد بود این را در کلیات بفرمائید تا بعد در مواد هم بنده عرض خود را عرض بکنم.

سلیمان میرزا - همان طوریکه آقای آقا شیخعلی فرمودند بنده شکل احضار نظامنامه عرض میکنم که این لایحه بنیابشی حالا بمجلس بیاید برای اینکه این لایحه تقاضای خرج میباشد و مطبق ماده ۱۹ و ماده ۲۰ نظامنامه داخلی باید کمیسیون نظامنامه این را فرستاده باشد بکمیسیون بودجه که رای کمیسیون بودجه هم در این خصوص معلوم باشد و آنوقت این اشکالی را که آقای آقا شیخعلی کردند رفع میشد بنابراین گویا هیچ نمیتوانیم حالا داخل مذاکره در این لایحه بشویم بلکه این لایحه هم مثل سایر لوایحی که آمده است و زمان قرائت در مجلس و مطرح مذاکره شدن با رای کمیسیون بودجه توام بوده است مطابق نظامنامه داخلی باید آورد بکمیسیون بودجه که رای آن کمیسیون هم در این خصوص معلوم شود و بنده معجز کمیسیون بودجه هستم از طرف آن کمیسیون این تقاضا را میکنم که این لایحه را رجوع کنند بکمیسیون بودجه.

حاج سید ابراهیم در این جا ذکر شده است که این قانون را که منویسند جزء بودجه امسال پنجره و باشهزار یا هزار سوار معین خواهد شد و مخارج آنها اضافه بر بودجه خواهد شد تا اینکه بگوئیم باید نظریات و عقیده کمیسیون بودجه هم در این خصوص معلوم شود این الان هیچ مربوط بعمل بودجه و کمیسیون بودجه نیست این یک قانونی

است که از طرف وزارت جنک پیشنهاد شده است که از ایلات سوار گرفته شود بعد از اینکه مجلس تصویب کرد که از هر سی خانوار یا از هر چهل خانوار ایلات یک نفر سوار گرفته شود آنوقت وزیر جنک مخارج آنرا بر آورد میکند و میرود بکمیسیون بودجه و کمیسیون بودجه ملاحظه میکند اگر دید ممکن است هر ده هزار سوار در سال آتی گرفته شود که رای میدهد و تصویب میکند و اگر دید که بآن اندازه ممکن نیست و محل ندارد آنقدری را که مقتضی و ممکن است تصویب میکند و گمان میکنم که فعلا مذاکرات در این خصوص ابتدا محتاج بکمیسیون بودجه و رجوع بآنجا نیست برای اینکه این لایحه اساس نظام گیری را معین کرده و ممکن است ما این قانون را الان بگذاریم و وزیر جنک با تقاضای وقت از اول حمل یا از اول سال دیگر شروع بعملیات آن بکنند پس بنده این اشکال را هیچ صحیح نمی دانم و عرض میکنم که این بهترین قانونی است که در این دوره مشروطیت بحساب حال مملکتی بمجلس آمده است و در رأی بره اساعه مملکت همین قانون است و آن چیزی را که باید بشام چیزها آن را مقدم بداریم همین امر نظام است که تا بحال بواسطه فراهم نبودن اسباب ترتیب آن موفق نشدیم و بنده شخصا تشکر میکنم از آقای وزیر جنک که در این مقام آمده است که قواء جنگی ما را از روی یک اساسی که فعلا بر آن قرار نمی شود قرار داده مرتب نمایند و پیشنهاد بمجلس کرده است و گمان می کنم که معنی شور کلی در این باب اگر این باشد که آیا باید از ایلات سوار گرفت یا خیر در این باب کسی مخالف نباشد ولی اگر موادی غیر از این موادیکه پیشنهاد شده است خواهد بود که ممکن است در آن باب مذاکره شود در هر حال بنده گمان می کنم که در کلیات این قانون کسی مخالف نیست و این بهترین قانونی است که در این دوره مشروطیت بمجلس آمده است و این قانون که تصویب شود و بگذرد نسبت بمبارتس و یک چند مدتی یعنی یک هفته زادی را نسبت بشتر ثبات امور جنگی مملکت طی کرده ایم تا چه رسد به روحش و بعد از آن که مجلس این قانون را تصویب کرد که فعلا از هر سی خانوار ایلات یک سوار گرفته شود آنوقت وزارت جنک ملاحظه و بر آورد می کند که عده اش چقدر می شود و چند هزار خواهد شد و امسال چقدرش را لازم دارد و میرود بکمیسیون بودجه که مخارج آن را ملاحظه کند و تصویب بکنند ولی فعلا گمان می کنم که ابتدا محتاج بر رجوع کردن بکمیسیون بودجه نیست.

محمد هاشم میرزا - در این که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند البته در مقام تصورش هیچکس مخالفت نخواهد کرد و البته بهترین سوار همین سواری است که می خواهند از ایلات بگیرند برای اینکه ایلات ما بهترین شجاعها هستند و همیشه خدمت باین مملکت کرده اند و اظهار شجاعت نموده اند و باید بخدمت بمانند هم ملتک خودشان بکنند این مطلب خیلی صحیح است ولی وقتی که وارد عملیات شدیم باشکالات دوچار می شویم بواسطه این که قبلا ما باید معین بکنیم که ایلات چقدر هستند و چقدرش سرباز بده هستند و چقدرش سرباز بده نیستند و

و آنها می که تا بحال سوار می دادند بچه میزان می دادند و تا اندازه می دادیم که مختلف می دادند یعنی بعضی ها صد سوار می دادند بعضی ۵۰ سوار هم نمی دادند و این قانون جز این که ترتیبات سابق را در هم برهم کند فعلا نتیجه دیگری نخواهد داشت و از این گذشته باید بدانیم که فقط هفت تومان تنها نیست که ببودجه تعلق بگیرد برای اینکه هر سواری در سال صد تومان خرج دارد و هر خانواری بیش از سه تومان نمی دهند و در صورتی که اهالی و رعایای دهات که سرباز بده هستند گذران و قوادخان از احشام و زراعت است مالیاتی را که می دهند عینا مثل شهرها می دهند و با وجود این از برای سوار هم سه تومان می دهند علاوه بر این آمدیم و تصویب کردیم که ده هزار سوار گرفته شود یعنی هر سی خانوار از ایلات یک نفر سوار بدهند و امسال فرسأ دوهزار سوار لازم است اینرا نمیدانم از کدام یکی از ایلات بگیریم بواسطه اینکه از هر اهلی که شما بگوئید گرفته شود ترجیح بلامرجع است بجهت اینکه شما تصویب کرده اید که از هر اهلی سوار بگیرند دیگر معین نکرده اید که از کدام یک آنها مقدم گرفته شود و آن وقت از هر کدام که بخواهید شروع بکنند و این مالیات را بر او ببندند که در واقع در خانواری هفتاد تومان بدهد که شما هفت تومان ونیشت را بدهید بسوار و آهرا در تحت نظام بیارید آن ایل خواهند گفت ما چرا باید بدهیم که از مرکز دور هستیم یکی دیگر بدهد پس باید قانون عومیت داشته باشد باید دید که امسال چقدر سوار لازم داریم و مخارج چقدرش را میتوانیم بر بودجه تحمیل بکنیم مثلا وقتی که در صد هزار بیشتر نمی توانید بگیرند تصویب بکنند که از هر دوست خانوار یک سوار بگیرند که هم آنها بتوانند تحمیل بکنند و هم بودجه دولت تاب تحمل آنرا داشته باشد و الا ما اگر صد هزار سوار هم داشته باشیم هیچ عیبی ندارد بلکه خیلی خوب است و اگر فقط بحرف تنها اکتفا میشود ممکن است تصویب بکنیم که از هر سه خانوار یک نفر سوار گرفته شود ولی در عملیات که داخل میشویم باین اشکالات بر خواهیم خورد و بنده عقیده ام این است که از هر سی خانوار یک سوار گرفتن با وجود اینکه هیچ تخفیفی در مالیات آنها منظور نشود یک تعمیل فوق العاده است و بنده تصویب میکنم و باید همانطور که آقایان گفتند این لایحه رود بکمیسیون بودجه و در آنجا ملاحظه کنیم و به بنیام امسال چند هزار سوار لازم داریم و نسبت بدهیم ایلات بطوری قرار بدهیم که آنها هم بتوانند عمل بکنند.

سردار اسعد - عرض میکنم بنده این فقره را حالا خیلی زود میدانم از برای ایلات چونکه ما باید امروز ایلات را استعانت بکنیم معیت بکنیم و آنها را ساکت بکنیم و این فقره که بآنها برسد بآب وحشت آنها می شود چونکه هر خانواری سه تومان باید بدهند مثلا ایل بختیاری سی هزار خانوار هستند و از این فراره نود هزار تومان می شود دست کم را بگیریم چهل پنج هزار تومان یا کمتر سی هزار تومان و باید بآنها بگوئیم که شما باید این را بدهید از برای اینکه سوار خودتان را راه بیندازید کسی است که تعمل اینکار را بکنند پس بهتر این است که ما اول در نظام ایلات بگوئیم آنوقت قرار سوار آنها

بهیم و بیقیمت از قانون نظام چقدر سوار لازم داریم و آنسوار چقدرش باید از ایلات باشند و چقدر از غیر آنها و تفکیک این کار هارا تصفه و معین کردیم آنوقت میزود در این خصوص رای بهیم و چونکه هر حکمی که از مجلس بیرون میروند باید فوری مجری بشود بدترین کارها این است که حکمی از مجلس بیرون برود و جری نشود و این حکم اگر از مجلس بیرون برود اجرائش یکقدری اسباب اشکال خواهد بود پس بهتر این است که اینکار و این قانون را یکقدری تمویق بکنیم از اجرائی اینک به بیقیمت کسبام یک از ایلات حاضرند برای اینکار و مدت خدمت را درجه قدر میشود قرار داد سه سال زیاد است که تر قرار بهیم و همچنین سایر ملاظمت را بکنیم بنده عرض میکنم از کایه ایلات جنوبی هر قدر پول بآنها بدهیم ممکن نیست سه سال سوار آنها را نگاه بدارد و در هر صورت این فتره حالا یکقدری زود است از برای گفتگو

وزیر جنگ - مخصوصاً این مجلس و پارلمان برای این است که تمام امورات را در منگت بطور مساوات ترتیب اجرا بکنند یعنی هیچ دلیلی ندارد که یکقسمت از مردم این مملکت از رعایای این مملکت سوارو سرباز بدهند و هر ده خانوار از آنرا یک نفر سرباز بدهند و یک قسمت خیلی کفو بهیچوجه سرباز و سوار نمهند در صورتیکه همه قسم استعداد در آنها موجود است برای دادن سوار هم اعتقاد خود بنده این است که نوکری دولت باید اجباری باشد یعنی خدمت باید عمومی باشد ولی نوکری اجباری است و این یک چیزی است که در تمام ممالک دنیا هست که خدمت دولت عمومی است یعنی بنده و شما و دیگران هم باید سرباز بده باشیم توپچی بده باشیم و عقیده شخصی بنده این است و هیچ معتقد نبودیم هم نیست ولی امروز اگر این کار را ما بخواهیم شروع بکنیم ممکن نیست برای اینکه اصحابه و شماره نفوس نداریم و این کار انلا پنج شش سال طول خواهد داشت که در مملکت اداره اصحابه مرتب بشود و شماره نفوس پیدا بکند و بعقیده شخص من انلا ده سال طول خواهد داشت که این ترتیب در مملکت معمول شود و بتوان افراد اهالی مملکت ایران را بخدمت اجباری واداشت و وقتی هم که آن ترتیب شد دیگر بودجه لازم نداریم تمام مردم باید حاضر خدمت باشند مثل ترتیبی که در تمام دول عالم و در تمام نقاط دنیا معمول است و حکم بهیم ما هم که جهات است از برای عموم مسلمین ولی عیالاً تا ده سال دیگر ما چه بکنیم که هم یک حال تساوی با افراد اهالی مملکتی خودمان بهیم و هم یک عده سوار حاضر مسلحی داشته باشیم اینجا چند فقره اظهاراتی فرمودند که بنده بعقیده خودم یکی یکی آن فرمایشات را جواب عرض می کنم یعنی بعقیده شخص خودم اولاً فرمودند که سوار قدیم ما چه می شود سوار ایل ایلاتو هفتاد هشتاد نفر سوار میدهند و دو هزار خانوارند وقتی که این قانون از مجلس گذشت و وضع شد حساب می کنند مثلاً می بینند که این ایل بیست سوار تعلق می گیرد بانی را از روی یک ترتیب صحیحی از بین آنها می گیرند پس

سوار قدیم ما از میان میروند بلکه این قانون که گذشت از مجلس فوراً آن ایلاتی را که سابق بر این سوار میدادند در تحت این حکم درمی آوریم مثلاً ایل ایلاتو سوار میداده است بعد از وضع این قانون ما فوراً می خواهیم شماره می کنیم می گوئیم مطابق قانون فلان هزار سوار بسر شما وارد است مثلاً می گوئیم اضافه بر این عده که هست ما صدو پنجاه یادوست سوار دیگر از شما می خواهیم و این مقدارش را هم آنها شاید با کمال افتخار حاضر بشود و در کمال امتنان بدهند علاوه بر این مسئله که وزارت جنگ پیشنهاد کرده است بدین ملاحظه اطراف و نکات کار نموده است بلکه موقعی می خواست این فقره پیشنهاد بشود از وکلای ایلات مثل آدینه محمد خان مثل حاج محمد کریم خان و کلب تشقانی و همین طور از سایر رؤسای بختیاری که در طهران هستند آنها هم که رئیس و سر کرده بودند همه حاضر بودند و خیلی در این خصوص مذاکره کردیم بالاخره بعد از این که چهار ساعت حرف زدیم و در این کار دقت کردیم همه تصدیق و تصویب کردند که به همین ترتیبی که پیشنهاد شده است از هر سی خانوار یک سوار گرفته شود حتی این که این مآخذ سی خانوار حالا را تعیین قرار دادند و گفتند که این هم یک موضوعی است که از میان خواهد رفت و باید بتدریج کمتر از این میزان یک سوار بدهند و اما این که شاهزاده عموالی فرمودند که این لایحه باید بکمیسیون برود و بعد از آنی که رای کمیسیون بودجه در این خصوص معلوم شد بمجلس بیاید این را بنده خیلی تعجب می کنم برای این که ما چیزی اضافه بر بودجه پیشنهاد نکرده ایم بودجه نظام را بنده نوشته ام و تقریباً دو ماه است که فرستاده ام وزارت مالیه با نظریات سال آتی که مثلاً ما در سال آتی چهار هزار سوار یا پنج هزار هر چه که آنجا نوشته شده است لازم داریم وقتی که آن بودجه آمد بمجلس و تصویب شد ما هم آن عده سوار از ایلات می گیریم برای اینکه ما که جیره و عایق می دهیم ما که لباس بآنها می پوشانیم ما که مشق می دهیم چه عیب دارد که آن عده را که لازم داریم از ایلات خودمان که رشیدتر و جنگ جو تر هستند بخواهیم و خیلی بهتر فایده میریم برای خدمت مملکت این هم بعقیده بنده جواب آن مسئله است اما در باب این که فرمودند یعنی گفته شد اینجا که نفی با خانواری در خصوص اینکه یک چیزی بگوشم خود که هفت تومان بآنها باید بدهند کی کسی گفته است که هفت تومان باید بآنها بدهند این یک قانون سوار گیری است که از مجلس می گذرد بعد از این که از مجلس گذشت و تصویب شد که مثلاً از هر سی خانوار یک سوار بگیرند و در باب حقوق آنها مرقومش وقتی است که بودجه مملکتی نوشته میشود بدهند آیا کسی هست این جا که بگوید در سی خانوار ایل ده خانوار آنها اسب ندارند این چطور می شود بر فرض اینکه این طور باشد ممکن است یکی یک تومان یا پنج هزار بدهند و یک اسب تهیه کنند دیگر ما هیچ نگفتیم که هر خانواری سه

تومان باید بدهند تا این که تعادل باشد ما می گوئیم عموم مردم ما نوکر بدولت می دهند باید ایلات هم بدهند مثل این که در آذربایجان اگر ملاحظه فرمائید هر ده خانوار سه خانوار یک سرباز میدهند و هم پنج تومان مالیات بده هستند و اگر ما این نسبت در ایلات بخواهیم بنیجه بندی بکنیم دوازده سی هزار سوار خواهیم بود و این ترتیبی را که ما می خواهیم در ایلیات اقدام کنیم هیچ اهمیتی برای آنها ندارد این هم بعقیده بنده جواب از این فقره است - اما اینکه میفرمائید اسباب نوحش ایلات می شود برخلاف عقیده شخص بنده این است که اینکار بیشتر اسباب استمالات از ایلات میشود برای اینکه ایلات ما که یک عهده را دیده اند که اگر قبلاً فلان سر کرده یا فلان رئیس آنها می آید اینجا از او تعارف میگیرند تفنگ می گرفته بودند دیدند که حالا می آید اینجا جیره صحیح می گیرند لباس صحیح می پوشند و رؤسایان اگر داخل شوند صاحب منصب می شوند و مواجب می گیرند بعقیده بنده این مطلب خیلی باعث جذب قلوب آنها می شود نسبت بهم برای اینکه سابق اگر یک ایلیاتی می آمد بالاخره بهر وسیله برای او خیلی اسباب زحمت فراهم میکردند ولی حالا که میباید زحمتی که بر آنها وارد نمی شود سهل است منتهای راحتی را خواهند داشت و اما در باب سه سال کسی نمی گوید که این خواهد سه سال بماند خودش نرود معنی اینکه مدت خدمت دوزیر اسلحه سه سال است اینست که سه سال باید در زیر اسلحه دولت باشد و دولت حق دارد او را تا سه سال نگاه بدارد حالا اگر وزیر جنگ یک وقتی صلاح دید دو ماه معرم و صفر را که فرضاً کار ندارند برای اینکه ماه عزت آنها را مرخص می کند که باز فرم ماه ربیع الاول برگردند و بیایند سر خدمت یک وقتی میشود که وزیر جنگ مثلاً در چهار ماه زمستان هوا که سرد است و موقع خدمت فوق العاده نیست مقتضی می بیند می گوید که فلان سوار در این مدت برود خانه خودش و بعد از چهار ماه بیاید و این هم هیچ مورد مؤاخذه نیست که کسی از وزیر جنگ بپرسد که چرا او را مرخص کرده این پس این هیچ حتم نیست که سال را تماماً باید دوزیر اسلحه باشند و بخانه خودشان نروند این هم جواب یکی از آن مطالبی بود که گفته شد و بنظر بنده آمد و اما در خصوص اینکه یک چیزی بگوشم خود که هفت تومان بآنها باید بدهند کی کسی گفته است که هفت تومان باید بآنها بدهند این یک قانون سوار گیری است که از مجلس می گذرد بعد از این که از مجلس گذشت و تصویب شد که مثلاً از هر سی خانوار یک سوار بگیرند و در باب حقوق آنها مرقومش وقتی است که بودجه مملکتی نوشته میشود بدهند آیا کسی هست این جا که بگوید در سی خانوار ایل ده خانوار آنها اسب ندارند این چطور می شود بر فرض اینکه این طور باشد ممکن است یکی یک تومان یا پنج هزار بدهند و یک اسب تهیه کنند دیگر ما هیچ نگفتیم که هر خانواری سه

حقوق آنها ربطی باین قانون ندارد این لایحه بنده چنین گمان می کنم که یک قانون مدلی است نسبت بر رعایای ایران و ایلات آن که از مجلس مقدس می گذرد

رئیس - این مذاکره که عجلتاً می شود در کلیات است بعد از آنی که این شور تمام شد داخل مواد می شویم این است که خواهش می کنم از ناظرینی که میخواهند نطق بفرمایند نظرات خود را در کلیات این قانون بفرمایند و داخل مذاکره مواد نشوند

آقای میرزا اسدالله خان - بنده با اظهارات جناب وزیر جنگ کمال مرفقت را دارم و گمان می کنم که این اولین پیشنهادی است که در باب نظام بمجلس پیشنهاد میشود و تکرار می کنم عرضی را که در موضوع وضع مالیات تریاک عرض کردم و آن این است که توانی که وارد مجلس می شود باید دارای یک ادله و منتهی آن باشد و به موجب نظامنامه باید طرحها و قوانینی که بمجلس وارد می شود دارای آن مقدمه باشد که دلیل ادرا واضح نماید که آنقدر وقت مجلس تضییع نشود که اگر دارای یک مقدمه باشد گمان می کنم نصف این مذاکراتی که می شود در اینجا نخواهد شد و وقتی که آن قانون از کمیسیون برگشت بمجلس آمد منخبر آن کمیسیون اجمالی از آن دلایل را بعرض مجلس میرساند که دیگر محتاج باین مذاکرات نباشیم و حالا بعضی از ادله لزوم این را آقای وزیر جنگ بیان فرمودند لکن یک دلیل بزرگ که ثابت می کند لزوم این لایحه را که آقای وزیر جنگ اظهار نکرده این است که ...

رئیس - شما موافقت می کنید ؟

اسدالله خان - یک مطلبی است که راجع بکردستان خودمان است که لازم است عرض کنم وقتی که از ایلات سوار گرفته شد آنها هم در صورتی که خودشان اظهار بدارند و گرفته نشود رفته رفته آن ایلات یا آن ولایت یا آنجائی که ایل دارد آن علاقه را که آن ایل نسبت بخدمت دولت دارد آن علاقه بکلی از بین می رود خصوصاً اگر قدری دور قسمت باشند که بکلی آن علاقه را از دست می دهند مثل این که ما می بینیم اگر کردستان ما یک سواری در حکومت نشین آنداشت و از سفر و بانه یک سواری داشت قبلاً دچار این مشکلات امروز نمیشدیم چنانچه بتجربه حالا این رما ثابت شده است یقیناً اگر سواری در تحت نفوذ حکومت می داشت معافانه می کردند بجهت این که خود آنخانه و اراکه اینک آن سوارها را می دادند خود آنها نمی گذاشتند قشون اجنبی وارد شود و وجود یک چنین سوادهایی سبب مرکزیت مملکتی می شود و آن ترتیب که سواری نداشته باشند سبب مرکزیت مملکتی را می کند و رفته رفته ایلات از تحت نفوذ مرکز خارج می شوند مثل این که می بینیم کم کم از آن فرانسیکه ما باید از این قسمت ام مملکت بیرون نمی بریم اما آن قسمتی را که حضرت اشرف والا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند در باب بودجه بنده خیلی تعجب دارم

مرض میکنم بهیچوجه در این لایحه چون چیزی نوشته نشده است که ایلات یک چیزی بدهند ابتدا فقط نوشته شده که از هر سی خانوار یک سوار بطوریکه عرض کردم آن جوانیکه بدولت میدهند از هر سه مرد یک مرد میدهند از هر سی خانوار یک اسب که ببطور نظامی بگوید آن صحیح البین است و یک تفنگ و اسب را هم باز مسامحه کردیم گفته ایم یا یک مادیان صحیح البین چیز دیگری بهیچ اسم نخواهیم

لواء الدوله - عرض می کنم که اینجا یک مطلبی است عنوان شد و مذاکره شد و ازین رفت و آقای وزیر جنگ هم اشاره بآن نکردند اولاً ما خواهیم یک عده سوارى بیست ترتیب صحیحی از ایلات بگیریم یک قانونی می نویسیم بیست وزیر جنگ می دهیم آن وقت در پرچم ایران باید این کار را اجرا کند مدت برای اینکار فراموش نمیدانم وقت آن فرمایش آقای سردار اسد هم دارد بنیاید من بیاید روزم است هیت عده بیستادهم روزم لازم داریم و حالا شروع شده است بیست ترتیب یک اندازه آن گرفته شده است گذشته از این مادرت دولتی مان ۲۷ هزار سوار بیست است این ما هیچوقت ترتیب فروری نداشته است آمده ایم می خواهیم ترتیب قانونی بهیم را از طرف وزیر جنگ مراقبت شده است که این خدمت بزرگ بعمدت بشود

رئیس - خیلی از آقایان هستند که اجازه نطق خواسته اند و دو سه را لازم است که بنده عرض کنم یکی آن است که رعایت موافق و مخالف بشود یکی دیگر بعضی از اینها کان بطور اشاره و کنایه بعضی فرمایشان به نظر من محترم خودشان فرمایند

سلیمان میرزا - چون بنده یک اختصار نظام نامه داخلی کردم بطرح نظر اراکه نظامنامه داخلی منظور شد بلکه سوء تفاهم شد بنده عرض کردم ماده ۲۰ و ۲۱ نظامنامه داخلی را مطالعه فرمایند و حالا نخواهند مطالعه فرمایند سهولت سوء تفاهم هائی کردند که هیچ تصور نگوردم نبود ماده ۲۰ و ۲۱ نظامنامه داخلی میگوید لایحه که تقاضای خرجی میکند بعد از آنکه کمیسیون مربوطه نظرات خودش را کرده نظرات خودش مساعد با آن طرح بود رجوع به کمیسیون بودجه می کند و کمیسیون بودجه نظرات خودش را در ظرف دهرم بمجلس تقدیم میکند حالا این دو ماده نظامنامه داخلی در این موضوع مجری خواهد شد یا نخواهد شد خود دانند دیگر مقصود بنده این نبود که آقای آقامیرزا اسدالله خان فرمودند که این لایحه باید اولاً خود خیلی غریب است این نسبت آنچه بنده و هم مسلک آن بنده که خدمت نظامی را اجباری میدانیم برای تمام افراد مملکت و نزدیک میکند این لایحه از نظر آن مقصود بطرف آن مقصود می رود و آن مقصود را محققاً نزدیک خواهد کرد لکن هر چقدر این خوب باشد و هر چه ندرم ما شایق و مایل باشیم که آن مطلب زود بگذرد گویا مانع رعایت و عمل بقانون باشد حالا ممکن است بگویند موضوع آن دو ماده اینجا نیست و الا بعقیده بنده مطابق ماده ۲۰ و ۲۱ نظامنامه داخلی باید پس از آنکه کمیسیون

نظام رجوع شایبند بکمیسیون بودجه اگر مایل هستند که این قانون بگذرد و مجری شود و الا اگر باید این قانون نوشته شود و منسوخاً نسباً باشد بنده عرض میکنم نظر بنده آن بود که آقای آقا میرزا اسدالله خان فرمودند نظر بنده اخطار نظامنامه داخلی بود که سوء تفاهم شده است.

رفتخار الواعظین - اولاً عرض بنده راجع بان اخطار است که مادراً که حضرت و الا اخطار فرمودند مضمون آن این است که لوابی که تقاضای خرج میکند برای سال آتی یا برای همان سالی که در همان دوره هستیم و این لایحه تقاضای خرج برای سال آتی و امسال نمیکنند این لایحه اجازه میخواهد از مجلس شورای ملی که از سی خانوار یک سوار گرفته شود و اما لفظ ده هزار سوار که گفته شد در ضمن اظهارات بعضی از آقایان بنده هر چه در این لایحه نظر میکنم لفظ ده هزار بیست هزاری نیست همینقدر دارد که از هر سی خانوار یک سوار گرفته شود در باب مخارج هم بطوریکه آقای وزیر جنک گفته در مدت خدمت او یعنی که آن سه سالی که در زیر اسلحه هست مخارج اسب و مخارج ضروری او و خانواده او را بدهند بنده عرض میکنم از اول مجلس شورای ملی اول لایحه است که در باب اصلاح نظام بمجلس آمده است و بنده واقف با دیورت کمیسیون نظام و نهایت تشکر را از آقای وزیر جنک از تقدیم این لایحه میکنم.

وکیل التجار - بنده میخواهم استدعا کنم که آقایان یک چیزهای خیلی خوبی که برای ما پیش میآید که خیلی خیلی دوست میداریم و مدتها انتظار اورا میداشتم وقتی که دیدیم بکلی مهوت نشویم یعنی همه چیز را فراموش نکنیم خیلی چیزهای خوب می بینند که نوشته میشود و بنظر میآید ولی در ضمن آن بعضی چیزها درج می شود که مخالف آسایشمان است بنده عرض میکنم که گرفتن سوار از ایلات مثل سایر رعایای این مملکت این در بنده اول تشریحی میدانم که خیلی لازم است از برای این مملکت و خیلی محضانات دارد که از اغلب آقایان بیان کردند و مقداری را هم آقای وزیر جنک بیان فرمودند و خیلی دلائل و محضانات دیگر دارد که گفته نشد و اگر گفته شود خیلی بطول خواهد انجامید ولی عقیده شخص بنده این است که عرض میکنم که در این دوره مخصوص برای گرفتن سوار و تعین یک مبلغی بر یکمده از رعایا یا عموم رعایا این یک مطلب است که بکلی اگر هم مجری است اینجا باید از هم تفکیک شود اما اگر سوار بگیریم اگر بنده بگیریم اگر نظام بگیریم اگر رفورم بگیریم باید از روی یک ترتیب صحیح باشد نه اینکه طوری باشد که تعین بشود و اشتباه بشود بیکم طلب دیگر و اینکه در یک قسمت یک تعین بشود او را هیچ بنده و مخلوط نمیکند با گرفتن سوار بنده عرض میکنم که گرفتن سوار باید از بودجه دولت از بودجه مملکت باشد البته در اینکه از ایلات سوار گرفته شود بهتر است لکن مخارج او را دولت باید بدهد اما سربوط بخانوار او نیست از ایلات خیلی خوب است لکن مواجباتها را اسب آنها را حقوق آنها را باید دولت بدهد خیلی بخانواری ندارد بنده میخواهم عرض کنم که سوار لازم

نداریم لکن عرض میکنم سوار لازم داریم لکن باید بدانیم که چه شرط قبول میکنیم بنده نمیتوانم بگویم سوار لازم نداریم و نباید سوار بگیریم برای اینکه این یک کاری است که به همین طوری که فرمودند بهترین چیزهاست که پیشنهاد شده است اما نمیتوانیم بگوئیم مواجبات را ایل بدهد مخارج خانوادهاش را ایل بدهد البته باید تمام مخارج او را و زرت جنک بدهد اگر هم چیزی باید تعین شود علیحدت یک چیزی بعنوان قانون باید نوشته که گرفته شود از هر کس که باید گرفته شود اینده مسئله را از هم تجزیه کرد بنده گرفتن سوار را خیلی لازم میدانم و تحسین تعجب میکنم اما مخارج را ولو بگرفتن باشد یا فرضاً مخارج دهه اسب باشد آنرا هم بنده تصویب نمیکند که از آنها گرفته شود باید وزارت جنک بدهد.

مهر زال مملکت - اینجا گویا در موضوع لایحه قدری اشتباه میشود و قدری مخلوط میشود باین جهت اسباب اشکال و گفتگو شده است مطابق اصل صدو چهاردهم قانون اساسی ترتیب گرفتن قشون بمجلس شورای ملی است و در وضع سرباز گیری ما از قدیم الایام معمول بوده است که در واقع حکم قانون پیدا کرده است بعضی جاها معمول بوده است که یک مقداری سرباز می دهند و در همان جاهها معمول بوده است بیکمقداری هم مالیات سربازی میدادند چه برای یک خرج خانه آن سرباز چه برای حرکت آن سرباز حالا این لایحه را که وزیر جنک پیشنهاد کرده است اگر فرض بفرمائید که پیشنهاد نیک کرد و اجازه مجلس شورای ملی را حاصل نمیکرد در باب گرفتن سوار از ایلات و شروع میکرد بگرفتن سوار از ایلات تمام شماها تعرض میکردید که مطابق چه حق و مطابق کدام قانون میخواهید این قشون را بگیرد و این ماده ۱۱۴ قانون اساسی را هم بشیر دست خودتان میکردید که مطابق این قانون باید قشون بصوب مجلس گرفته شود پس وزارت جنک دیده است که مملکت شما محتاج است بقدری قشون و آنهم مسئله طبیعی و منطقی است که قشون راهبیشه باید از عناصر جنگی مملکت گرفت از آن قسمتی از مملکت گرفت که بالطبع استمداد شان برای جنگ چهار باب رشادت چهار سایر جهات بهتر این است که از مجلس شورای ملی اجازه میخواهند که یکمده از ایلات سوار بگیرند چه عیب دارد و اینجا وکیل التجار گفتند که مالیاتی که برای آن سوار ها گرفته میشود از خود ایلات اینطور نیست البته خرج سوار را هم خود دولت میدهد چنانچه سوار و تکیه دسر خدمت است مخارج او را دولت میدهد وقتی که در ردیف احتیاط هست بعد از آنکه سه سال خدمت کرد برای اینکه رشته ارتباط او بدولت قطع نشود یک حق خواهد داشت و هیچ تعینی بخانواری او نخواهد شد بلکه یک چیز تعینی بر ایلات میشود و آنهم استثناء نیست یعنی عمومی است همان چیزهایی را که سایرین از وظایف مردم در موقع سرباز گیری میدهند و همان تعین اینجا ما که سرباز میدهند میشود همان تعین هم ایلات بجهت دادن سوار میشود آن تعین چه چیز است آن این است که سی خانوار تا یکسره باید متحمل بعضی از لوازم آن سوار بشوند آن تعین اسباب است که باید سی خانوار یک اسب بدهند تفنگ بدهند جهت اینکه هر سی خانوار باید انتخاب بکنند سوار بکنند از بین

ثانی شش هزار سوار و در سال سوم پیشنهاد ثلث ثالث نه هزار سوار خواهد داشت وقتی درست ملاحظه فرمودید باین ترتیب رفتار خواهد شد و دچار هیچ اشکالی نشده اید پس باین ترتیبی که عرض کردم بکمال خوبی و سهولت در یک مدت کمی یک عده سوار لایقی شما خواهید داشت و اینهم تقاضای خرجی نیست که لازم باشد برود بکمیسیون بودجه هر وقت وزارت جنک یا مابله تقاضای بودجه این سوار را کرد و بمجلس فرستاد البته آنوقت بکمیسیون بودجه رجوع خواهد شد دیگر اینکه وضع یک مالیات و تعین یک مالیاتی ابداً نیست و چنین اسمی در این لایحه بیچوجه برده نشده فقط یک اجازه است که از مجلس در خصوص گرفتن این عده سوار باین ترتیبی خواهند.

وزیر جنگ - بنده همین قدر تأییدی کنم تقریرات این وکیل محترم عالم بعلم نظام را که تقریباً تمام نکات علم نظام را بیان کردند و امیدوارم دیگر اشکالی نداشته باشند و این مسئله را اقدام بفرمائید و بنده نتایج خیلی بزرگ در این کار می بینم.

رئیس - خوب مذاکرات در کلیات این لایحه بنظر بنده کافی است حالاً رأی می گیریم در دخول در شور مواد این لایحه.

ارباب گنج خور - بعضی می خواهند مذاکره بکنند.

حاجی وکیل الرعایا - چون از روی تجربه در مذاکرات مجلس و در اجراء این لایحه بعضی اختلافات بنده دیده ام این است که لازم می دانم بطور کلی عرض کنم آن اشخاصی که تصدیق دارند گرفتن سوار را از ایلات بنده هم تصدیق دارم آن اشخاصی که تصدیق دارند گرفتن سوار را بنده هم تصدیق دارم اما بشرط آن شرط این است که هنوز موفق نمی توانیم بشویم باینکه بآن چیزیکه رأی میبندیم در محل خود باین اجرا شود بنده می بینم که چیزی که الان رأی میبندیم در پیش چشم من است در محل خودش اثر خیلی بدی خواهد کرد و آنها را بوحشتی خواهد انداخت که چه عرض کنم (بعضی با اظهار ایشان تعرض کردند) بله باید من در مجلس شورای ملی بگویم تا پیش خداوند مسئول نباشم برای اینکه بنده می بینم که یک عده الان در تاریکی هستند و در یک وحل زندگی میکنند و وقتی که این مطلب به آنها برسد خواهند گفت که مجلس شورای ملی برای ما اینکار را کرده که فلان قدر سوار بگیرند و بنده شریکیم به آقای وکیل التجار که باید دولت از طرف خودش سوار بگیرد بعد در موقع خودش هم از برای مخارج آنها مالیات وضع کند که استفاده ای که می خواهد از سوار بگیریم از برای دولت باشد.

رئیس - وقتی که با آن ماده رسیدیم شما نظریات خودتان را در آنجا می توانید بفرمائید.

حاجی وکیل الرعایا در آنجا خواهم اجازه خواست و بعضی عرایض خواهم کرد ولی در اینجا که بطور کلی که وارد این مواد می شویم یک نظری داشته باشیم که آن چیزی را که وزیر جنک و کمیسیون نظام پیشنهاد کرده است استفاده بکنیم اینطور نیست که بنده موافق باشم.

حاج آقا - بنده تصور میکنم که یک نماینده در مقام نمایندگی یک چنین لایحه ای که بجز این می آید و باید چند چیز را در نظر بگیرد یکی اینکه ملتی که ما از طرف او وکیل هستیم چطور مالیات بدولت می دهند و فرضش از دادن این مالیات چیست وجه مقصودی دارند و در مقام تسهیل امور چه طریقی را ما باید اتخاذ بکنیم تمام این حرفها که زده شد می بینیم از این نقطه نظر دور است بنده تصور میکنم اگر از ملت ایران پرسیم که بزرگتر چیزی که شما در مقابل این مالیات می دهید و برزگر هم می مصرفیکه برای این یوازیکه می دهید بدولت چه چیز می دانید تمام اختلاف بکله واحد فرادخواهند زد قشون قشون قشون و یک لایحه هم که در این خصوص بمجلس می آید اساساً همه تصدیق می کنیم ولی وقتی که می رسیم بیک ترتیب قشون و قشون گیری بیکمقداری در بودجه اش نامل میکنیم و یک مقدار در ترتیب تعین آن و یک مقداری در خصوص وحشت آنها و حال آنکه بنده عرض میکنم که هیچ یک از این مواجبات موجود نیست و تمام مقتضیات از برای اجرای این قانون در این مملکت مهیا شده است و علاوه بر آن عرض میکنم هر چه مالیات در این مملکت گرفته می شود عوض این که در مقابل آن ادارات تشکیل کرده اند و به آنها که در ادارات پر کرده اند بدهیم اگر آن پولها را بخرج قشون بزنیم بهتر توانستیم که وظیفه داکت خودمان عمل کرده باشیم و بهتر توانستیم مقصود دهند که آن مالیات عمل کرده باشیم این راجع بودجه است و باید بکمیسیون بودجه برود اینها خارج از موضوع این لایحه است هیچ نیاید از طرف بودجه آن نگران باشیم بنده بکنفر نماینده هستم که بودجه وزارت جنک که می آید بمجلس هر چه برای قشون نوشته باشند و بخواهند بنده تصویب میکنم و بقیه را از برای سایر ادارات تصویب خواهم کرد اما راجع ایلات که بعضی ماصعبت میکردند که شاید ایلات توحش بکنند و قبول نکنند اینکار را بنده عرض میکنم که اول این پیشنهاد تقاضای وکلای ایلات و جمعی از وکلای جنوب بود و بنده خیلی تشکر میکنم از آقای وزیر جنک که این را بشکل یک لایحه قانونی آوردند بمجلس سابق ایلات منتظر بودند که جوانهای خودشان را بدهند و نان خانه رئیس خودشان بشوند و نان خانه سر کرده ها و رؤسای خودشان باشند ولی اگر بآن ترتیب باشد که خدمت بکنند و حقوق بگیرند خود آن ها حاضرند پس برای خدمت بدولت تمام ایلات چه جنوبی چه شمالی خودشان حاضر هستند که با کمال میل خدمت بدولت بکنند این ارتباط بدولت و ارتباط دولت به ایلات چیزی نیست که وکیل در پشت میز بایستد نطق در آن بکنند این یک چیزی است که از واجبات است که تعقیب شود و اسباب رفاهت اهل این مملکت است و اسباب نجات و خوش بختی این مملکت است سهولت اجراءش هم همانطوریکه گفته شد یک چیزی است که واضح است و محتاج تشریح نیست آقای وزیر جنک و آقای موز الملک تشریح کردند و من نمی دانم چطور می شود در مقام سر از گیری

مانی گوئیم که خانواد چطور در سرباز می دهد و چطور بعضی تعیلات با آنها می شود اما سی خانوار که می خواهند یک سوار بدهند می گوئیم یک اسب تعین است البته که مخارج آن یک خانوار سوار را هم میدانیم و خیلی واضح است که چیزی نیست بجهت اینکه همیشه ایلاتی خیلی سهل و ساده و بیک همیشه ساده زندگی میکنند و تمییز یک خانواده درسی خانواده یک چیزی نیست که ماهی ده یا نوزده تومان مخارج لازم داشته باشد یک خانواد درسی خانوار در کمال آسایش می تواند تمییز نماید آن سی خانوار یک سوار می دهند یعنی یک اسب و یک نفر جوان و خرج مسافرت آن سوار را تا تهران و بهمخرج آن سوار و آن اسب را دولت می دهد بنده تصور نمی کنم که نباید در این جا یک کلمه گفته شود نه از حیث اسب و نه از حیث مالیات و نه از حیث مخارج نه از جهت پول نه از جهت بودجه نه از جهت دیگرش و فوائد این مسئله بقدری نیست که بتوانیم در اینجا شرح بدهیم.

حاجی محمد کریمخان - اولاً این را عرض کنم که مسبقاً باشند تمام خرابی فارس ما از نبودن قشون است در سابق سه فوج در شیراز بودند یکی مال خود نشانی بود که ۸۰۰ نفر بود حالا خود قشانیها چندین فقره بنده نوشته اند و اظهار کرده اند و بنده باطمینان آنها بود که آن پیشنهاد دوست سوار را کردم بمجلس گفته ام این راجع وزارت جنک است مخصوصاً چندین خط از رؤسای قشانی یعنی از کلانتر های آنها نه از ابلغانی سردار که تمام نوشته اند و اظهار کرده اند که خیلی خوشوقت هستیم از اینکه از ما سوار بیاید و در این دو ساله که الحاد مشروطیت است و از اول قانون است و حساب است خدمت کنیم الان می خواهند همان تعین را بشما بپایانم که بخواهید و ببینید که خودشان از روی شوق اظهار کرده اند و بنده مطمئن که شدم پیشنهاد دوست سوار را کردم حالا از قشانی حاضر است از روی شوق و میل حاضرند که بیایند و خدمت کنند این سی خانوار هم یک چیز زیادی نیست یک نفر سوار می دهند و خرج خانوادها را هم می دهند ولی به یک شرط و آن این است که حقوق آنها را طوری کنند که برسد باین وضع طهران باین وضع ذغال و غیره ترتیب اینجا طوری بدهند که اینجا راحت باشند آنها ابداً از آمدن حرفی ندارند و بنده خودم شاید از رؤسای ایلات بودم عرض میکنم ایلات قشانی از روی شوق حاضرند بیایند اینجا خدمت کنند.

رئیس - مذاکرات در کلیات ظاهراً فی است (گفته شد کافی است).

رئیس - رأی می گیریم که آیا تصویب می فرمائید که داخل شود در مواد شوم یا خیر کسانی که تصویب می فرمائید داخل شود مواد شوم و مذاکرات در کلیات را کافی می دانند قیام نمایند (اکثریت حاصل شد) - حالا شور در مواد فزائت شد.

ماده اول از لایحه وزیر امور سوار از کلیه ایلات ایران که سرباز بده هستند.

از پیشنهاد کمیسیون ماده اول از کلیه ایلات

که سرایز بد نمی باشد دولت بموجب این قانون سوار می گیرد .

آقا حاج شیخ ابراهیم زنجانی - بنده چند سئوال میخواهم بکنم برای سهل بودن رأی که در مواد می آید این سوارها قیراز آن سوارهایی که دولت دارد یا ازدهات با آن ایلات که آنها باقی خواهند بود و اینها هم علاوه می شوند یا خیر این یک سئوال است سئوال دیگر اینکه این سوارها جزء آن سوارهای مشون است که در هر گرام وزرا پیشنهاد شده بوده است یا قیراز است اینهم یک سئوال است سئوال هم در مورد است که بعد عرض خواهم کرد از قبیل اینکه سوارها باید معین شود که از چه سن تا چه سن خواهد بود مخارج اینها چقدر خواهد بود

رئیس - این مورد در ماده اول است .
وزیر جنگ - بنده که اول عرض کردم اینها نسبت به مخارج جزو همان مخارج بودجه خواهد بود بودجه دراصل آیه اگر وزارت جنگ نوشت می دیند چنانچه نومن یا پنج هزار پانصد هزار سوار بقدریکه ممکن است خواهد آورد که جزء بودجه باشد و مخارج از بودجه نباشد مثلا سوار آفایان بختیاری که آن نهصد سوار دارند این همان خواهد بود هیچ فرق نمی کند اینها جزء همانها هستند منتهی آنوقت از آنها استعفا می کنند که در تحت آن ترتیب می آورند دیگر این که فرمودند که این سوارهایی که داریم اگر ایلات هستند آنوقت جزو همین ها یعنی این ترتیب مرتب خواهند شد

اگر غیر ایلات و سوارهاییکه داریم آن بسته بنظر وزارت جنگ است یعنی بنظر شورای نظامی و وزارت جنگ است اگر نواست که آن عدد را که لازم دارد از ایلات بیآورد و آنها هم باشند البته بهتر است که آنها هم باشند و اگر لازم باشد که هم ایلات هم از غیر ایلات داشته باشد آنوقت بسوی است که سوار ایلات بهتر است از غیر ایلات و آنچه نسبت بس آنها و غیر آن که راجع بچریان عمل است فرمودید اینها یک نظامنامه دارد که سن سواران قدر است و ترتیب آن چیست و آن نظامنامه چاپ شده است و داریم و لازم شد که بنده یک مقدار هشدار نا از آنها را بدهم بیآورند آفایان ببینند و مطلع شوند که ستنش چه و سایر شروط چیست البته بقدری که ممکن است رعایت آن شروط را در این سوارها خواهم کرد و لو فرض که ما گفتیم یا نوشتیم در نظامنامه که سن سوارها از ۱۸ تا ۲۵ باشد لکن در این سنوات اولیه آنقدرها اصرار نداریم و قدری بسامحه و غرض همین میگردد اینها به اتمال مطابق آن نظامنامه عمل خواهد شد

ارباب کیشور - این جادو ماده بنده فرموده است از ایلاتی که سوار بد نیستند متاسفانه ما هنوز نمی دانیم ترتیب سرایز گیری شان چیست تا اینکه قرار بدیم سوار هم ندهند و حالا از جاهایی که سوار میدهند حالا هم بگیرند از روی چه فاعده نمیدانیم سوار و سرایز می گیرند این قانون لازم دارد نه نظامنامه وزارت جنگ از این جهت بنده عرض می کنم که آیا چه قانونی اخذ کرده اند برای سرایز گیری و آیا از سایر ایلات هم بگیرند یا نه

ترتیب کلیه سرایز گیری خواه ایلات خواه ناطا دیگری سرایز گیری شان از روی چه ترتیب است .

وزیر جنگ - از بابت سرایز گیری همینطوریکه عرض کردم یک نظامنامه در وزارت جنگ نوشته است که اورا چاپ کردیم و الان در رفورم یک ندری از ارا اجرا داشته و البته به مجلس شورای ملی باید آورد که بنظر نمایندگان مجتم رسد و مجلس باید تصویب بکند که سرایز این چگونه باید گرفته شود اما نسبت باینکه نمایندگان از کجا گرفته میشود و از کجا گرفته میشود و آنچه که گرفته میشود چگونه است آنرا حق داره وزارت جنگ امروز نمی تواند در این خصوص اقدامی بکند عرض کردم امروز اساسا باید در این بود که خدمت اجباری نشود و آن ترتیبی که از کجا گرفته می شود و نمی شود آن بنده مقول بودیم همان که بوده است و وزارت جنگ آن را حفظ میکند و اما اینکه فرمودید که بعضی جاها میرند سرایز می گیرند که بیشتر سرایز نداشته است این را تذکره بکنیم مگر در بعضی جاها اینکه تخفیف داشته اند بکنم وزیر و سر کرده خودشان در آنجا قدری تعرض میشود بلکه از آن تخفیف از پنج نفر دوفر گرفته شود این یک صرفه است برای دولت که وزارت جنگ ملاحظه میکنند آن ولایتیکه هیچ سرایزی ندارند مثل بزد ایلانی ندارند که بنده سرایز نداشته باشند آنها هم باید بنده سرایز داشته باشند و سرایز بدند .

حاج سید ابراهیم - بنده در همین ماده عرضم این بود که این ایلات بعضی هستند که خاک نشین شده اند و این قانون که تصویب شد از آنها هم گرفته میشود چون حال ایلات دو قسم است بعضی ها بواسطه دارائی علاقه با خانه و یا بخیرین زراعت ساکن شده اند در همان اداره ایل قشائی هستند و مالیات آنها هم جز عشقائی است و احکامشان هم با قشائی است و مثلا سرایز هم نمیدهند ولی بعضی هاشان هستند که سردسیر و گرمسیر میکنند و خانه بوش است و علاقه دارد و حالا آن ایلاتی که نوشته است از کلیه ایلاتی که سرایز بد نیستند آنها شامل آن خاک نشین ها هم میشود یا خیر عقیده بنده این است که اگر آنها ای که خاک نشین هستند سوار گرفته شود سرایز گرفته شود و از آنها ای که با بلیت نامی هستند و سرایز مثلا نمیدهند سوار گرفته شود و الا اگر بگویم از کلیه ایلات موارد نقص از این قسم جاهای پیدا میشود و اگر این قانون را کلیه بدانیم و بگوئیم کلیه ایلات این علت را پیدا میکنند بنده در طرف جنوب که اطلاع دارم لث آن ایلات خاک نشین هستند اگر این را تعمیم بدهم شامل حال آنها هم میشود چه ندارد و اگر هم تخصیص بدهم چه ندارد که بگوئیم آنها ای که سردسیر و گرمسیر میکنند سوار بهند آنها هم جزء این عنوان هستند ولیکن خاک نشین هستند این نکاتی را که عرض کرده برای این است که در کمیسیون این ملاحظات را بکنند که در شورائی اینها کرات دیگر نشود اینکه خیلی مداخلات میکنند از شوق خودشان است که این زود بگذرد ولی از آقای مخیر استعفا میکنم اگر حالا جواب ندارند در نظر بگیرند که برای شور دوم جواب بدهند .

وزیر جنگ - بواسطه اینکه موقع نرسیده است و همه آفایان نظرشان این بود که مدد کره کافی است و حالا نوبت بحضرتعالی برسد .
پهجت - عرض کنم که یک قانونی است که به حال ارای نظام گیری باید وضع کرد این هیچ ربطی ندارد باینکه این سوار که ما داریم چیست چه قدر است و راجع بکمیسیون بودجه هم است بجهت اینکه متضمن یک تخفیفی نیست پس این یک لایحه است که می آید بجهت وضع سوار دیری معلوم شود و این هم رجوع میشود به بعضی چیزها که آن ایلات بشمار آورده نوشته است که از ایلاتی که سرایز بد نیستند بنظر بنده در ایل بیشتر نیست (نه اینها سرایز بد هستند یکی تخت قاپو که در آذربایجان است و یکی پشت کوه و اینها هم خانه نشین هستند اسم این بر آنها صادق نیست یعنی خانه بدوش و چشم نشین نیستند باین واسطه اینها را نمی توان ایل حساب کرد و باین جهت باید نوشته شود که از کلیه ایلات سوار گرفته میشود دیگر اینکه گفته شد که نوشته شود بموجب مواد ذیل گمان میکنم که لازم نیست برای اینکه بموجب این قانون همان معنای بموجب مواد ذیل می فهماند بنده توانی را که وضع می کنند با مطابق خواهد شد با این که از سی خانوار یا کمتر یا بیشتر یک سوار گرفته شود یا اینکه ترتیب دیگری خواهند داد آنوقت مطابق آن قواعد سوار ریا سرایز گرفته می شود حالا ببینیم که از یک ایل که سرایز گرفته میشود است حالا ما لازم نداریم که سوار بگیریم یا استثناء میکنیم باسم اینکه ما سابق میگرفتیم و حالا نباید بگیریم پس بهتر این است که ما بدون کلی بگوئیم که از ایلات سوار گرفته میشود و این اشکالات را لازم ندارد .

وزیر جنگ - اینطور نیست که تصور فرمودند چون در آذربایجان خیلی ایل هست گذشته از تحت قاپو با ایلاتی هست که سردسیر و گرمسیر میکنند و سوار میدهند مثلا اینکه میدهند آفایان نمایندگان آذربایجان که از فوج هفتم قشائی که به بیلاق میروند و قشائی میروند فوج اردبیل که در سراب گرم رود هستند که بنده خود سالها سر کرده آنها بودم در آنجاها دارند بعضی ایلاتی که بیلاق و قشائی میکنند

لکن این یک کلمه را عرض میکنم که شخصاً بنده از ترتیب نظامی اطلاعاتی ندارم ولی همینقدر میدانم که ترتیب سابق خیلی بد بود و البته تا یک چندمی با ده مان - طور راه برویم ولی از امروز استعفا میکنم کوزارت جنگ در خط جدید قدم بگذارو آن ترتیبی پیش نیاشد و سرایز گرفتن راجع بمجموع مردم باشد و بطور مساوات ولی در اینها آقادهای بی نیاید باقی او از جزئیات راجع بنظر خود وزارت جنگ است چیزی که اینجا نوشته است یا از تمام این معنی این میشود که ما اینجا وقتی کرای بدیم تمام این را رای داده ایم سرایز نمیدهند از طرف دولت سرایز گرفته میشود این را مطابق مواد ذیل می نویسند چون اگر اینطور نویسند مثل این است که تمام این را تصدیق کرده اند .

پهجت - در موقع شور کلیات بنده در ابتداء اجازه گرفتم و نمیدانم چه دلیل باسم بنده نرسیده است .
رئیس - بواسطه اینکه موقع نرسیده است و همه آفایان نظرشان این بود که مدد کره کافی است و حالا نوبت بحضرتعالی برسد .
پهجت - عرض کنم که یک قانونی است که به حال ارای نظام گیری باید وضع کرد این هیچ ربطی ندارد باینکه این سوار که ما داریم چیست چه قدر است و راجع بکمیسیون بودجه هم است بجهت اینکه متضمن یک تخفیفی نیست پس این یک لایحه است که می آید بجهت وضع سوار دیری معلوم شود و این هم رجوع میشود به بعضی چیزها که آن ایلات بشمار آورده نوشته است که از ایلاتی که سرایز بد نیستند بنظر بنده در ایل بیشتر نیست (نه اینها سرایز بد هستند یکی تخت قاپو که در آذربایجان است و یکی پشت کوه و اینها هم خانه نشین هستند اسم این بر آنها صادق نیست یعنی خانه بدوش و چشم نشین نیستند باین واسطه اینها را نمی توان ایل حساب کرد و باین جهت باید نوشته شود که از کلیه ایلات سوار گرفته میشود دیگر اینکه گفته شد که نوشته شود بموجب مواد ذیل گمان میکنم که لازم نیست برای اینکه بموجب این قانون همان معنای بموجب مواد ذیل می فهماند بنده توانی را که وضع می کنند با مطابق خواهد شد با این که از سی خانوار یا کمتر یا بیشتر یک سوار گرفته شود یا اینکه ترتیب دیگری خواهند داد آنوقت مطابق آن قواعد سوار ریا سرایز گرفته می شود حالا ببینیم که از یک ایل که سرایز گرفته میشود است حالا ما لازم نداریم که سوار بگیریم یا استثناء میکنیم باسم اینکه ما سابق میگرفتیم و حالا نباید بگیریم پس بهتر این است که ما بدون کلی بگوئیم که از ایلات سوار گرفته میشود و این اشکالات را لازم ندارد .

وزیر جنگ - اینطور نیست که تصور فرمودند چون در آذربایجان خیلی ایل هست گذشته از تحت قاپو با ایلاتی هست که سردسیر و گرمسیر میکنند و سوار میدهند مثلا اینکه میدهند آفایان نمایندگان آذربایجان که از فوج هفتم قشائی که به بیلاق میروند و قشائی میروند فوج اردبیل که در سراب گرم رود هستند که بنده خود سالها سر کرده آنها بودم در آنجاها دارند بعضی ایلاتی که بیلاق و قشائی میکنند

وزیر جنگ - اینطور نیست که تصور فرمودند چون در آذربایجان خیلی ایل هست گذشته از تحت قاپو با ایلاتی هست که سردسیر و گرمسیر میکنند و سوار میدهند مثلا اینکه میدهند آفایان نمایندگان آذربایجان که از فوج هفتم قشائی که به بیلاق میروند و قشائی میروند فوج اردبیل که در سراب گرم رود هستند که بنده خود سالها سر کرده آنها بودم در آنجاها دارند بعضی ایلاتی که بیلاق و قشائی میکنند

سرایز می دهند پس باید در موقع خودش این حرفها گفته شود و آنها را هم باید در موقع خودشان تصحیح کرد .
آقای شیخ اسدالله - بنده می خواهم عرض کنم که این استنشاد از کلیه ایلاتی که مستند به سوار میدهند چه نمیدانند مطابق این قانون باید عمومیت داد و از همه سوار گرفت .

آقای میرزا ابراهیم قمی - قانون باید بطور کلی وضع شود بنده عرض میکنم از آن دوزی که این لایحه از مجلس بگذرد سوار را باید از کلیه ایلات گرفت و این لفظ سرایز بد لازم نیست .

حاج سید ابراهیم - عرض بنده گفته شد چون آقای مخیر و آقای وزیر جنگ حوائی ندادند اگر ایشان قانع نشدند بنده عرض کنم و الا عرضی ندارم .

نواع الدوله - چطور می شود که از یک ایل که سرایز می دهند سوار باید گرفت این تعجیل کلی است چون از دفتر مالیه اطلاع دارم و نمی دانید که چند ایل سرایز بد هستند و چند ایل سرایز بد نیستند وزارت جنگ چون اطلاع داشت قانونی پیشتهاد کرده است که آنها ای که سرایز بد نیستند از آنها سوار بگیرند و آنکه خود وزارت جنگ بهتر جزئیات را میداند و این حا که قانون وضع می شود فقط باید ملاحظه کنیم که از سی خانوار یک نفر سوار بگیریم و تعجیل دیگری نشود بجز این حق نداریم حالا آن سوار که می خواهد سوار شود گهواره او را با رو بجنب بگذاریم یا رو بشال این از وظایف ما خارج است این که باین ماده رجوع ندارد این جزئیات است .

معزز الملک - این جا دو مسئله گفته شد گرچه قدری از آنرا آقای وزیر جنگ آقای مخیر جواب دادند لکن قدری هم جواب داده شد مخصوصاً عقیده بنده این است که بهین طور که این ماده این جا نوشته شده است باید نوشته شود و این که گفته شد چرا استثناء کرده اند ایلاتی که سرایز بد هستند و باید از کلیه ایلات سوار گرفت این را بنده مخالفم بواسطه اینکه بعضی ایلات هستند که هم اسم ایل ب آنها اطلاق می شود هم سرایز می دهند پس همینکه این رأی کی را دادیم تبصیر می شود یعنی یک ایل سرایز و سوار هر دورا بدهند و بعضی سوار تنها باید بدهند آنوقت بنده می گویم انصاف نیست که یک ایل یک تعجیل بکنند و بر یک ایل دو تعجیل بکنند و شاید همینکه ایلات ماشوق دارند برای خدمت هر چه تعجیل است بر آنها بشود بلی این هیچ حای شک نیست که ایلات ما شوق دارند ولی چیزی که هست خود این یک تعجیل فوق العاده است برای این که خود این ایل از قدیم یک نژادی داشتند و سرایزی می دادند آنوقت باز بیایند علاوه بر آن سراری که می دادند یک تعجیل دیگری هم بر آنها نمایند که مطابق این قانون سوار بدهند و آن نژادی که از قدیم معمول بوده است باید همان طور معمول باشد سرایز هم بدهند این دو تعجیل شده است و این سزادار نیست بعقیده بنده

آنها تادقتی که سرایز می دهند سرایز خودشان را بدهند وقتی که سرایز ندادند آنوقت سوار بدهند حالا می فرمایند که بعضی ایلات هستند که سرایز نمی دهند و این اسم هست این اشکالی ندارد آن وقت مطابق همین قانون آنها ای که سرایز نمی دهند باید سوار بدهند و دیگر آقای حاج سید ابراهیم فرمایشی راجع بشاک نشین و چادر نشین و بالاخره عقیده ایشان این بود که فقط ایلات چادر نشین سوار بدهند خاک نشین ندهند در تمام ایلات همین طور است یک مقداری از ایلات زمین خریده اند و دارائی و علاقه پیدا کرده اند و خاک نشین شده اند و همین طور یک مقداری در حرکت هستند اگر مسا بگوئیم بطوری که فرمودند ایلاتی که خاک نشین هستند سوار ندهند آن وقت فوری نصف میکنیم همه سوار خودمان را یعنی شما اگر تصور بفرمایید که چهار صد هزار خانوار ایل دارید آنوقت باید نصف کنید بگوئید بجز دو صد هزار خانوار سوار بگیرید و من تصور نمیکنم آن وقت آن مقدار سوار که از دو صد هزار خانوار مثلا گرفته میشود و نباید آفایان تصور بفرمایند که این لایحه که نوشته شده همه اش یک چیز بی اساسی بوده بکلی یک چیز بی اساسی نبوده است یک مقداری هم احتیاجات مملکت در نظر بوده است اگر مطابق این ماده از ایلات چه چادر نشین چه خاک نشین سوار گرفتید آنوقت ممکن است تا پنج سال شش سال دیگر شما تقریباً بیست هزار سوار داشته باشید و این بیست هزار سوار تا یک درجه کفایت نظامی مملکت شمار میکنند و اما آنطوریکه شما فرمودید که ما فقط از چادر نشین ها سوار بگیریم بعد از بیست سال اگر ده هزار سوار داشته باشید و با وسعت مملکت ایران این ده هزار سوار خیلی مشکل است که رفع احتیاجات را بکنند بنده عرض می کنم از فلان ایل هم از ایلاتی که چادر نشین یا خاک هر کدام خواهند بنشینند باید عموم باین قانون شریک باشند .

وزیر جنگ - این کمی گویند سرایز بدهند و سوار هم بدهند این نمی شود عرض کردم یکی این است که امروز بیست سال است سرایز میدهد این را دیگر نمی شود گفت که سرایز ندهند سوار بدهد و بنده تصور می کنم این برای یک دوره یا دو دوره است که هر دوره سه سال است و شش سال که بگذرد البته موفق می شویم یک ترتیب خیلی صحیحی ولی باین زودی چون نمیتوانیم آن ترتیب را اخذ کنیم و محتاج هستیم یک همه سوار و محتاج هستیم باینکه جاب قلب ایلات را بکنیم و ایلات را بسر خدمت بیآوریم که ببینند آنها ای که امروزه جاب شده اند و جمع شده اند سرایزی کردند اند ما اوردت رفته اند چقدر آگاه شده اند این است که این لایحه را پیشنهاد کردیم و اما اینکه سرایز را اخراج کنیم آن بنده را بیندازیم دور اینکه نمی شود اورا دور بیندازیم .

حاج سید ابراهیم - مقصود بنده این بود که خاک نشین مجزا باشد یعنی از خاک نشین سوار نگیرند این بود مقصود بنده .

معین الرعایا - بنده در کلیه این لایحه اشکال داشتم اجازه هم خواستم نوبت ببندم نرسید اگر اجازه بفرمایید عرض کنم زیرا آن اشکالی که در کلیه دارم تارفع اشکال از بنده نشود نمی توانم در مواد رأی بدهم .

رئیس بموجب نظامنامه حضرتعالی میتواند چیزی را که بنظر تان مبرر است بپیشنهاد بکمیسیون بفرماید یعنی کسانی که نظریاتی دارند تارای سومی که گرفته نشده نظریات خودشان را می توانند بنویسند و بکمیسیون پیشنهاد کنند در آن موقع می توانید این استفاده را بکنید .

معاضد الملک - اینجا حضرت وزیر جنگ فرمودند از اشخاصی که در تحت اطلاع ایلت هستند از هر سی خانوار آنها یک نفر سوار گرفته می شود چون هستند طوایفی که آنها را ایل نمیگویند در صورتیکه مثل ایل دارای جمعیت و خانوار زیاد هستند مثل طایفه سنجابی و سردان و غیره و در حقیقت میشود گفت که ایل هستند لکن اسم ایل ب آنها اطلاق نمیشود در اغلب جاها جمعیت خاک نشینی هستند که طایفه هستند و خیلی شایسته خدمت هم هستند از این جهت عقیده بنده این است که اینجا نوشته شود از کلیه ایلات و طوایف هر گاه تصویب میکنند نوشته شود .

وزیر جنگ - صحیح است از ایلات و طوایف نوشته شود .
آقای میرزا یونس - بنده البته عقیده دارم برایشکه اهالی یک مملکت باید بقوه نامره حقوق آن مملکت را محفوظ بدارند حالا بنده یک ترتیبی می گویم که باید این حقوق را بقوه

کردم بکلیه ایلات این بود که آنها ای که سرایز بد نیستند و سرایز بد هستند باید همه ایلات کلیه سوار بدهند .

وزیر جنگ - این کمی گویند سرایز بدهند و سوار هم بدهند این نمی شود عرض کردم یکی این است که امروز بیست سال است سرایز میدهد این را دیگر نمی شود گفت که سرایز ندهند سوار بدهد و بنده تصور می کنم این برای یک دوره یا دو دوره است که هر دوره سه سال است و شش سال که بگذرد البته موفق می شویم یک ترتیب خیلی صحیحی ولی باین زودی چون نمیتوانیم آن ترتیب را اخذ کنیم و محتاج هستیم یک همه سوار و محتاج هستیم باینکه جاب قلب ایلات را بکنیم و ایلات را بسر خدمت بیآوریم که ببینند آنها ای که امروزه جاب شده اند و جمع شده اند سرایزی کردند اند ما اوردت رفته اند چقدر آگاه شده اند این است که این لایحه را پیشنهاد کردیم و اما اینکه سرایز را اخراج کنیم آن بنده را بیندازیم دور اینکه نمی شود اورا دور بیندازیم .

حاج سید ابراهیم - مقصود بنده این بود که خاک نشین مجزا باشد یعنی از خاک نشین سوار نگیرند این بود مقصود بنده .

معین الرعایا - بنده در کلیه این لایحه اشکال داشتم اجازه هم خواستم نوبت ببندم نرسید اگر اجازه بفرمایید عرض کنم زیرا آن اشکالی که در کلیه دارم تارفع اشکال از بنده نشود نمی توانم در مواد رأی بدهم .

رئیس بموجب نظامنامه حضرتعالی میتواند چیزی را که بنظر تان مبرر است بپیشنهاد بکمیسیون بفرماید یعنی کسانی که نظریاتی دارند تارای سومی که گرفته نشده نظریات خودشان را می توانند بنویسند و بکمیسیون پیشنهاد کنند در آن موقع می توانید این استفاده را بکنید .

معاضد الملک - اینجا حضرت وزیر جنگ فرمودند از اشخاصی که در تحت اطلاع ایلت هستند از هر سی خانوار آنها یک نفر سوار گرفته می شود چون هستند طوایفی که آنها را ایل نمیگویند در صورتیکه مثل ایل دارای جمعیت و خانوار زیاد هستند مثل طایفه سنجابی و سردان و غیره و در حقیقت میشود گفت که ایل هستند لکن اسم ایل ب آنها اطلاق نمیشود در اغلب جاها جمعیت خاک نشینی هستند که طایفه هستند و خیلی شایسته خدمت هم هستند از این جهت عقیده بنده این است که اینجا نوشته شود از کلیه ایلات و طوایف هر گاه تصویب میکنند نوشته شود .

وزیر جنگ - صحیح است از ایلات و طوایف نوشته شود .
آقای میرزا یونس - بنده البته عقیده دارم برایشکه اهالی یک مملکت باید بقوه نامره حقوق آن مملکت را محفوظ بدارند حالا بنده یک ترتیبی می گویم که باید این حقوق را بقوه

فهریه معافیت نمایند و آقایان يك ترتيب ديگر حالا آن جای خود باشد بنده رأی دادم که ایلات باید سوار باشند و ایلات باید در خدمت نظامی داخل باشند و هر جور زحمتی و مشقتی که از آنها خواسته شود بجهت معافیت وطن خودشان باید متحمل بشوند ولی بنده بعد از این چندماه شروعت کرده در ایران بوده است منتظر بودم که از وزیر جنگ دولت مشروطه يك فرورم عمومی بجهت سرباز و سوار مملکت وارد مجلس بشود نه يك فرورم خصوصی یا پیشنهادی برای سوار از ایلات بمجلس بیاید و فقط بجهت ایلات باشد بنده نمی دانم چرا عوض اینکه يك مسئله عمومی برای گرفتن سوار سرباز از تمام اهالی برای يك نظام مفصلی وارد مجلس شود که مادر آن مذاکره بکنیم فقط يك پیشنهاد خیلی مختصری بجهت گرفتن سوار از ایلات شده است دلکش همان است که عرض کردم و خیلی تعیین میکنم فرمایش آقای معاضد الملک را که بنده می خواستم پیشنهاد کنم که این کلام را در آنجا بنویسند که از ایلات و طوایف و بنده چون نماینده یکی از طوایف که در این مسلك هستند نه سرباز می دهند سوار این دلیلی است که چیز است که ملتی بروند خون بزنند و ملت دیگری راحت باشند در يك مملکت که ملل متنوعه یا ملتی که سوار سرباز نمی دهند آنها از نعمتهای این مملکت استفاده بکنند و در زحماتشان هیچ استفاده نکنند بنده تقاضا می کنم از مجلس مقدس که از این طایفه اراده هم داخل کنند که از ملل متنوعه سرباز و سوار هم گرفته شود.

رئیس - این را باید بطور پیشنهاد علی بنده بمجلس تقدیم کرد در این ماده خوب بود مذاکره می فرمودید.

آقا میرزا یانسی - این پیشنهاد از آقای معاضد الملک شد و مجلس قبول کرد بصدای صحیح است عمومی بنده هم داخل آن پیشنهاد هستم.

رئیس - اما آن پیشنهاد نمی شود پیشنهاد آن است که تنها بنویسند بنده بخوانم و در مجلس قابل توجه شود و حضرتعالی اظهار اجمال ایشان را نباید فرمودید و این دلیل نمی شود پیشنهاد باید نوشته شود بخوانیم در رأی بگیریم.

آقا محمد پروچردی - بنظر بنده يك ماده مهمی بوده است که کمیسیون عفلت کرده است و آن اینست که این سوار قبل از تعداد نفوس گرفته می شود یا بعد از تعداد نفوس این باید بعد از تعداد نفوس گرفته شود فرض اینست از این سواران يك سوار را بطور اجباری بگیرند پس اینکه از بزرگ ایل و طوایف باین معنی که طایفه ای که سی هزار سوار یا خانوار هستند باید سه هزار سوار بدهند يك دفعه این است يك دفعه دیگر این است که آن رئیس طایفه از از خودش و از نوکرهای خودش آن سوار را می دهد یا بتواند داوطلبی بقیه بنده این خیلی تفاوت میکند این را خوبست عرض نمایم و مذاکره فرمایند.

حاج سید ابراهیم - گویا مذاکره کافی باشد زیرا شور اول است.

بجهت - اینکه آقای معاضد الملک فرمودند که از طوایف هم گرفته می شود بنده هم استدعا میکنم که از عشیره هم بگیرند زیرا يك جمعی هم هستند که آنها را عشیره می گویند بلطف که نمی شود تفکیک کرد بجاهت که چادر نشینند و آنها را طایفه می نامند پس بایستی دولت ایران که قانون وضع می کند برای نظام شامل تمام افراد آنها باشد و این قانونی که وضع می شود ترتیب صحیحی ندارد مثلا در خاک نشین بترتیب پنجه معمول می شود بچه جهه است که از عربستان هیچ سرباز گرفته نمی شود و همین طور سایر شهرها بترتیب مناسبی و ترتیب مساوی باید گرفته شود و در تمام ایران از ایلات که چادر نشین و حشم نشین باشند این سوار گرفته شود و باین قسم که ملاحظه میشود این لایحه خواهد گذشت و باعث اشکال می شود این خوب است که در تحت يك قانون مشترك جامعی باشد که از سی خانوار يك نفر سوار بدهند و چنانچه این طور شد يك عده از ایلات هستند که سرباز بده هستند لابد از این قدری اطلاق می شود بایشیم از تمام رهایای ایران سرباز پنجه بگیریم در سرت سوار هم بیشتر می شود باین واسطه بنده تقاضا میکنم لفظ که سرباز بده نباشد حذف شود و ما آن سرباز بگیریم قدیمی را هنوز معمول اند است ایام که ده خانه يك سرباز بدهند و الا ان هیچ ترتیب صحیحی نیست در سرباز گیری هم جایی هم هست که سرباز بده نیست می گویند مالیات میدهد در هر حال ما باید این قانون را يك طوری بنویسیم که کلیت پیدا بکند باین واسطه بنده تقاضا می کنم که این قانونی که از مجلس می گذرد يك استثنای غیر قانونی باو نشود در بعضی جاها که يك ترتیب قانونی جریان پیدا کند و مطابق طبایع تمام افراد مملکت باشد و اما اینکه آقای آقامیرزا یانسی فرمودند که از طایفه مسیحی هم بشون گرفته شود در آنجا بیاچنان که از آنها سرباز می گیرند.

آقا سید حسن مدرس - از اول مجلس تاحال سه مرتبه بنده اذن گرفته ام بنده بجهت جهت ممکن نشد لذا عذر می خواهم که باید همه اش را بگیریم داد این است که از اول تاحال که مذاکره فرمودند در نظام و آقای وزیر جنگ هم فرمودند می خواهم عرض کنم مذهب رسمی شما در این خصوص حکم میدهد ببنده حکمش چه چیز است امروز اگر چه تماشاچی خیلی است لکن باید بگیریم امروز مملکت ایران محتاج بقوه دافعه است مقدمتر از هر چیزی و بر هر نفس واجب است که حفظ مملکت و توفیر اسلام را بفرمایند چه مثل من که عامه سرم است و از اول عمر تاحال در مدرسه بودم هر کس که هر نوعی دارد واجب است بر او که آنرا در نگاهداری مملکت اسلامی در وقت خودش بترتیبی که امر و رؤسای مملکت تصویب میکنند بکار ببرد و مدافعه بکند اسپدار سوار بدهد اسپدار سرباز بدهد پیاده بدهد این لفظ خانه و طایفه را نفهمیدم که در تحت چه قانونی است و می گویند که

آقا سید محمد حسن مدرس - از اول مجلس تاحال سه مرتبه بنده اذن گرفته ام بنده بجهت جهت ممکن نشد لذا عذر می خواهم که باید همه اش را بگیریم داد این است که از اول تاحال که مذاکره فرمودند در نظام و آقای وزیر جنگ هم فرمودند می خواهم عرض کنم مذهب رسمی شما در این خصوص حکم میدهد ببنده حکمش چه چیز است امروز اگر چه تماشاچی خیلی است لکن باید بگیریم امروز مملکت ایران محتاج بقوه دافعه است مقدمتر از هر چیزی و بر هر نفس واجب است که حفظ مملکت و توفیر اسلام را بفرمایند چه مثل من که عامه سرم است و از اول عمر تاحال در مدرسه بودم هر کس که هر نوعی دارد واجب است بر او که آنرا در نگاهداری مملکت اسلامی در وقت خودش بترتیبی که امر و رؤسای مملکت تصویب میکنند بکار ببرد و مدافعه بکند اسپدار سرباز بدهد پیاده بدهد این لفظ خانه و طایفه را نفهمیدم که در تحت چه قانونی است و می گویند که

رئیس - حالا نمی توانیم در این ماده رأی بگیریم زیرا عده کافی نیست و وقت هم گذشته مذاکره می کنیم چون مجلس خصوصی باید بشود و پیشنهاد هم می رود بکمیسیون.

معزز الملک - چون فرمودند که این پیشنهادها می رود بکمیسیون در اینجا کمیسیون نظام يك ترتیبی دارد و آن این است که اول باید در قابل توجه بودن این پیشنهادها رأی گرفت ان برای چه چیز است برای این است که کمیسیون بداند نظر مجلس چه چیز است و این پیشنهاد برای این است که تقریباً کمیسیون نظام يك اصلاحاتی بکنند بر کرد در زیر کمیسیون نظام می توانم بگویم رأی ندانند به تغییر این مواد بجهت اینکه بنظر ما این موادی که نوشته شده است بهترین مواد است و شاید علتی داشته باشد که نمی توانم بگیریم و میفرماید هم گویا در وقت من که این لایحه مطرح مذاکره شد تشریف نداشتند که خوب دفاع بکنند تا وقتی که در قابل توجه بودن این پیشنهادها رأی گرفته نشود نمی توان رجوع بکمیسیون کرد.

لواء الدوله - مخیر مجبور نیست که در همه رأی داد ولی بنده رأی ندادم لازم نیست که در هر مورد دفاع کنم در این موقع و در وقت پیشنهاد از طرف آقامیرزا یانسی و حاج معز الملک فریب باین مشهوری فریاد شد بنده پیشنهاد می کنم که از کلیه ایلات و طوایف و ملل متنوعه سوار گرفته شود (پاس)

بنده هم پیشنهادی می کنم که همانطوریکه آقای معاضد الملک پیشنهاد نمودند طوایف هم جزو سوار باشند.

رئیس - وقتیکه بنده اجازه نطق می دهم اعتراض می کنند که چرا اجازه دادید بجهت اینکه نظامنامه اجازه ندهد وقتیکه عده کافی نیست اجازه داده شود مذاکره مدتها هم تمام نمی کنیم ویرا وقت نیست بقیه این مذاکره می ماند برای جلسه آتی بنده دستور جلسه آتی هم - قانون دیوان محاسبات - عمومی دایورت کمیسیون عدلیه راجع به قبول و نکل بردات .

معزز الملک - کلیه چنانکه بندهین مرتبه در این جا گفته شده است که ما باید يك سیستمی را اتخاذ کنیم برای دستور امروز مثلا ان بجهه را جزء دستور کنیم و دیوان محاسبات وقتیکه این را آوردیم یک قدری شور کردیم می گذاریم و آنوقت يك قدری هم در آن یکی مذاکره می کنیم این هیچ صحیح نیست و کاری هم از پیش نمی رود بقیه بنده این لایحه را تا از شور اول او فارغ نشویم و دیوان محاسبات را تمام نکنیم نمی توانیم برویم سر چیز دیگر خوب است اگر رئیس تصویب فرمایند و مجلس شورای ملی هم تصویب فرماید همین دوماه را در دستور بگذارند و این دو مطلب کابلا وقت مجلس را کفایت میکند و محتاج به مذاکره دیگر نخواهیم بود.

مقیم السلطنه - نظر آقای معزز الملک بسیار صحیح است و يك نکته هم هست که آقایان زود فراموش میکنند مطلبی که در دستور گذاشته میشود نه برای این است که دستور سابقه از میان بیرون چلر بیکه تا زود دستور گذاشته میشود معنی آن این است که آن در دستور خواهد بود تا وقتی که تمام شود آنوقت سایر چیزها در دستور گذاشته میشود و آقای معزز الملک تقاضا کرد دو چیز را جزو دستور بگذارند بنده هم این تقاضا را می کنم که اول این دو مطلب جزء دستور باشد تا نگذرد مطلبی دیگر مذاکره نشود.

رئیس - این چیزی را که در خصوص دستور فرمودند بنده هم تصدیق می کنم که يك ترتیب صحیحی نیست و حالا مشغولیم در بحث رئیس که تمام اوراق و طرحهایی که در هیئت رئیس است آنها را طبع و توزیع بکنیم و بعد يك ترتیب دستوری قرار خواهیم داد که بز يك هفته پیش آقایان و کلاء بدانند که دستور این هفته چه میشود و وقتیکه این اسبابش فراهم شد برض آقایان میرسانم.

افتخار الواعظین - بنده بجهت اینکه میخواهم مفصلا عرض کنم و خاطر اغلب نمایندگان مسیوق است بنده از طرف کمیسیون داخله تقاضا میکنم که آن چهار ماده که در منع احکام از کمیسیون گذشته است و طبع و توزیع هم شده است و خود رئیس هم شاد تصدیق بکنند که گذشتن آن خیلی مفید خواهد بود این است که بنده تقاضا میکنم که آن چند ماده جزء دستور گذاشته شود آن قانون برای او و مملکت خیلی مفید خواهد بود.

آقا شیخ علی شیرازی - انتخاب يك نفر یا

دو نفر از برای بردن لوحه برای نصف اشرف جزء دستور بود حالا بنده ام هست یا نیست.

رئیس - بلی امروز هم جزء دستور بود و هست.

کاشف - بنده تقاضا میکنم از مجلس مقدس که يك هیئتی را انتخاب کنند یا کتبیا يك چیزی نوشته شود بوالاحضرت آقای نایب السلطنه در خصوص تکمیل عده و رراء چون مدتی است بعضی شوالوات استیضاعات شده است علاوه بر این بعضی مکاتبات که از خارج میرسد ماباید لایه با وزرا طرف باشیم وزیر داخله نداریم و وزیر مالیه نداریم سایر وزراء هم شاید بوظیفه خودشان عمل نمیکند غیر از آقای وزیر جنگ که همه روزه حاضر هستند از این جهت استدعا میکنم که از طرف مجلس اقدامی شود در این باب.

رئیس - خواهش میکنم هر و کبلی که می خواهد خارج از موضوع صحبت نماید از هیئت رئیس کبیا اجازه بخواهند مذاکره در باب دستور بود.

کاشف - رأی دادند که صحبت خارج از موضوع در آخر بشود.

رئیس - اما نظامنامه را بنده نمیتوانم بيك رأی بهم بزنم.

معاضد الملک - اعتراضاتی که بدستور شد تقریباً همان فرمایشانی بود که آقای رئیس دستور قرار دادند راپورت کمیسیون نظام و قانون دیوان محاسبات تقاضا شد جزء اون دستور گذاشته شود و در جلسه گذشته اگر نظر آقایان باشد بنده تقاضا کردم که آن ماده که از قانون محاسبات عمومی مدتی است به کمیسیون تفسیر رفته است جزء دستور شود و مجلس بیابرای گرفته شود که قانون محاسبات عمومی بگذرد و فقط همین یک ماده اضافه شده است.

رئیس - پس آفا کتبیا تقاضا فرمایند که تا ترتیب داده شود.

فهم الملک - بنده هم تأیید می کنم فرمایش آقای معاضد الملک را و مطابق آن شرح بیکه بیان فرمودند عرض میکنم قانون محاسبات عمومی مقدم است بر سایر مطالب و اگر آن یکماده بگذرد آن قانون بکلی ختم میشود و يك قانونی از مجلس می گذرد.

رئیس - ده دقیقه نفس است - بعد جلسه خصوصی میشود.

(مجلس نیم ساعت از شب گذشته خصوصی گردید.)

جلسه ۲۱۰

صورت مشروح مذاکرات روز سه شنبه ۱۴ شهر صفر المظفر ۱۳۲۹

مجلس بدو خصوصی و یک ساعت قبل از قروب آفتاب بریاست آقای ممتاز الدوله علنا تشکیل شد.

صورت مجلس روز شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود.

غائبین جلسه قبل - آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا بی اجازه حاج شیخ الرئیس . مستندالتجار دکتر اسمعیل خان . سبهدار اعظم . سردار اسعد در موقع مقرر حاضر نشده اند . اسان العکماء مریض بودند .

رئیس - ملاحظه در صورت مجلس هست؟

ادب التجار - همین تقاضایی که آقای افتخار - الواعظین در باب دایورت قانون منع احتکار کردند که در دستور گذاشته شود در صورتیکه مخالفی نداشت چرا نباید جزء دستور گذاشته باشند .

رئیس - جزء دستور گذاشته شده است ولی جزء دستور امروز نیست .

حاج شیخ الرئیس - در جلسه سابقه ملاحظه نمودیم که از طرف مدرسه سن لویی شده بود منحصرأ برای آنکه بدانم تصویبات محصلین عربی آنجا چه طور است و چه طور ترفنی کرده اند برای باز مناسبات لازم دانستم بروم و برای اینکه وقت مجلس تأثیر نشود مخصوصاً اختصار کردم بتوسط اداره محترم مباشرت بهیئت محترم رئیس معذالك گمان میکنم در غیر وقت شرفیاب شده باشم [چون دیگر مذاکره ای نشد رئیس صورت مجلس را معضاء نمود]

رئیس - این تلگرافی است که از جذب آفا شیخ هادی رسیده است بعرض و کلام محترم میرسد (به امون ذیل قرائت شد) - تلگراف از مشهد بطهران .

توسط نمایندگان خراسان مجلس مقدس تلگراف آقای آفا شیخ هادی را رسانده جوابی که رسیده عیناً درج می شود - توسط انجنین ایالتی سدالله اساسه مقام متبوع مجلس مقدس شورای ملی شهاب الدوله که تلگراف مبارک که مبنی بر انتخاب داعی است ضویت مجلس مقدس بوده زیارت نمود و تشکرات صمیمانه خود را از حسن ظن و کلاء ملت باین بنده بی بضاعت با کمال افتخار تقدیم می نماید و جواباً ممرض میباید عجاله بلاخطه سردی هوا ضعف چشم که مخصوصاً در این زمستانی عارض شده با کمال تأسف خود را از مسارت به تئیل این سعادت معذوری بیند و امیدوار است که بعد از نوروز با مساعدت مشیت ربانی جلت آلاله و اخامد هیجانی که اهالی را از حرکت داعی حاصل است حسن ظن و کلاء عظام راجعین استقبال تلقی نموده انشاء الله تعالی مجهود خود را در اداء حقوق گرانهای مات و اسلامیت که هوایه منظور نظر داشته و اندازه اقتضای وقت و مکان در اینجا نیز نجانی نداشته در آن مقام مقدس بشرکت و استظهار و مساعدت و کلاء عظام مبذول دارد . جمعه هادی ۲۹۹ انجنین ایالتی خراسان ذبیح الله

رئیس - قبل از آنکه داخل در دستور جلسه بشویم چند فقره شوالی بود که از وزرای محترم شده است خوب است آن شوالوات را و کلاء بکنند بعد داخل دستور شویم که و رراء مصل نمایند - آقای ادب التجار شوالی در باب نان داشتید فرمایند .

ادب التجار - مسئله نان که یکی از ظایف مهمتصه قوه مجریه است و بهیچ وجه ربطی بقوه مقننه و مجلس ندارد سال گذشته از باب بی احتیاطی اولیای امور آنوقت یعنی اولیای امور اجرائیه آن وقت دچار زحمات و مشکلات شدیم لذا مجلس شورای ملی علاوه بر آنکه این را از وظایف قوه مجریه می دانستیم مهذا محض تأکید در آسودگی

مردم در خصوص نشان چه مستقیماً و کلاً شخصاً
وحداً بعد واحد بوزراء عرض کردند که تهیه نشان
و گندم قدر دارالخلافه بکنند و چه از طرف مجلس
تا کلمات دیده شد و این اوقات مریتم با این تشبیهات
و تأکیدات و اظهارات متعدده باز عمل نشان از
قراریکه در روزنامه ها می نویسند و خودمان هم
می بینیم می شنویم اسباب نگرانی نمایندگان معزوم
شده است و مجلس شورای ملی چون آسودگی مردم
را از بابت نان خیلی با اهمیت می بیند بنده سؤال
می کنم از وزرای معزوم در باب آسودگی مردم
و حیثیت نان بطوریکه مطمئن باشند که این اطمینان
را می دهید و چه اندازه اطمینان می دهید که خاطر
معزوم نمایندگان از این جهت آسوده باشد این را
بفرمائید که مطلع باشم.

وزیر پست و تلگرافی - سؤال

آقای ادیب التجار داخل بولتیک ژنرال نیست
که راجع به پست و زواره باشد مسئله است مختص
بوزارت داخله حال که مدتی است استعفا کرده اند
معادن او هم هنوز معرفی نشده است که بیاید این
جا و جواب بدهد از این جهت یک هیئتی از مجلس
انتخاب شد که در این کار کمک و معاونت بکنند
و هیئت وزرا هم قرار گذاشته اند که فردا در این خصوص
مذاکره بکنند و ترتیبی در این باب بدهند روز
پنجشنبه قراریکه می گذارند که بچه ترتیب باید
آذوقه شهر را تهیه کرد انشالله اسباب نگرانی
مجلس مقدس نباشد بضر مجلس خواهد رسید.

ادیب التجار - چون آقای وزیر پست و

تلگراف فرمودند که یک هیئتی از مجلس منتخب
گردد این را عرض می کنم آن هیئت از مجلس
هیچ مداخله با امران نمیکنند عرض کردم که این
از وظایف مخصوصه مجریه است هیچ ربطی به مجلس
شورای ملی ندارد هیئت تقبش از برای این بود
که تقبش کنند و معاین امران را بکنند و مجلس
عرض کنند و آن رشوه ها و بی اعتمادی هاییکه
می شود ابتدا ربطی باین هیئت ندارد.

رئیس - سؤال چیز دیگر و استیضاح چیز

دیگری است این از موضوع سؤال خارج است
سؤال آقای علیزاده دارند از وزیر جنگ در باب
رئیس قشون آذربایجان بفرمائید.

علیزاده - بنده در خصوص اردوی سیار و

رئیس قشون آذربایجان سؤال دارم.
رئیس - آن یک مسئله اولی آقای وزیر
جنگ ابلاغ شده است در مسئله دوم هم اگر میفرمائید
سؤال کنید.

علیزاده - در خصوص اردوی سیار آذربایجان

و رئیس قشون آنجا چه انسانی کرده اند بفرمائید.
وزیر جنگ - رئیس قشون آذربایجان
بصورت شورای نظامی شاهزاده امین الله میرزا مین
شد و ده نفر هم اجزاء و بنده هم دوفتر اضافه کردم
که ۱۲ نفر باشند برای ریاست توپخانه و ریاست
بیاده نظام و معلوم هم که لازم بودند بلکه از
برای بعضی فاط مثل ازومی و خوی و سلساس هم
صاحب منصب توپخانه معین شده است که اینها یک
کمیسونی بشوند از آنجا بروند فقط منتظر تعیین
وزیر مالبه هستیم که بآن وسیله آنها را بفرستیم و
نسبت باردوی سیار آذربایجان بنده هیچ مابقیه نداشتم
که حالا جواب عرض کنم و معهود هم نبود.

رئیس - بنده این مسئله اظهار شده بود یک
سؤالی آقای منتصر السلطان از آقای وزیر امور
خارجه داشتند بفرمائید.

منتصر السلطان - بنده از جناب وزیر

امور خارجیه سؤال میکنم در خصوص شهید سعید
مرحوم صنیع الدوله اقداماتی که کرده اند ممکن است
که بگویند و این اشخاصیکه مرتکب این حرکت
شنیع شده اند چه اقداماتی فرموده اند و بجای رسیده
است که آن محرکین را بدست بیارند و می توانند
مارا امیدوار کنند که بزودی تمام افراد ملت آسوده
شوند از این حرکت که در واقع برای تمام ملت و
هیئت دولت خیلی اسباب تأسف شده است.

وزیر خارجه - از دقیقه که این واقعه

نا گوار اتفاق افتاد وزارت خارجه بتوسط نظایه
اقداماتی که موطن بوده عمل آورد قائلین را آن
دو نفر را که مرتکب می دانستند بدست آوردند بنظایه
برده شده اند صبح آرزو (اگرچه همان شبانه دو
استنطاق بعمل آمد)

ولی صبح آرزو یک جلسه تشکیل شد و تا ساعت چهار
پنج از شب گذشته بتحقیق اولیه آنها که تحصیل
نابیت آنها باشد اقدام شد و معلوم شد که آنها هر
دو نیمه روس هستند یکی از آنها از قاجار های نیمه
روس بود که بعد معلوم شد یکی دیگر از دهاتی
های قفقاز و آنطرف کونایس واز آنجا بود که
برای کشت جای او را بمانند آن آورده بودند یک
مبارشی داشت مرحوم صنیع الدوله که آنها هم نیمه
روس بود و آنجا مقتول شد او این را آورده بود
آنجا مشغول چای کاری شده بود و گویا یک حسابی
هم غیر مستقیم پیدا کرده بود با مرحوم صنیع الدوله
که بدوسیبه اینکار که رسیدگی شد معلوم شد که
یک طلبی داشته است از آن نیمه روس که پولی داده
بودند و آنجا خرج شده بود و اینجا هم گویا در
این باب گویا مذاکره کرده بودند بالاخره آن
آدم افزار کرد که سه تیر با مرحوم صنیع الدوله زده
است در آن جلسه اول که استنطاق نشان بود مطابق
ترتیبات دوسیه و تذکره نشان بود مسلم شد که کرجی
و ازمی نیمه روس هستند بعد از آنکه ترتیب اینها
معلوم شد سفارت روس برحب معاهده نامه اینها را
مطالبه کرده بودند ولی خواهش شد که بایستی
تحقیقات اولیه از باب ارتکاب اینکار بعمل بیاید
قبول کردند که آرزو از صبح مشغول شدند تا
ساعت سه چهار از شب رفته با مأمور سفارت روس
دروازت خارجه در محاکمات آنچه تحقیقات و استنطاقات
بود عمل آمد و صورت مجلس تمام شد بعد از آنکه مطابق
عهد نامه این تحقیقاتیکه لازم بود بعمل آمد قرار
شد تحقیقات دیگریکه شاید از دیگران حواشی
کار شده باشد بکنند و از روز بعد در این کار
مشغول شدند و هر روز هفت هفت جلسه است و تمام
کارها را وزارت خارجه یعنی کارهای محاکماتی
را بالخصوص تعطیل کرده است و از سفرا دول
سایر خواهش کردند که معذور محاکمات را قبول کنند
که فقط در این امر رسیدگی خودشانرا تکمیل
بکنند و هر روز مشغولند و نمی توانم بنده عرض

که تا امروز حقیقت که بنده شخصاً اظهار رضایت از
آن میکنم کارش بدینگونه بود در این باب چند کافه
بوزارت مالبه نوشت که آن رئیس مالبه آنجا که
مدعی سوء رفتاری نسبت با او و بعضی چیزها است
او را بفرستند بعدا کمات عسکری که بیستیم چه ادها
میکنند و چه سوء رفتاری نسبت با او شده است که از
روی آن محاکمه و مجازات بشود او را فرستاده اند
ولی خود این بعضی نوسنجات و تصدیقات ارائه
می دهد که او را تبرئه میکنند ولی برای تحقیقات و
بدست آوردن معلومات همه روزه در تحت محاکمه
است تا آمدن رئیس مالبه آنجا که آن رئیس مالبه
بیاید و اظهارات خودش را بکنند آذوقه محاکمات
عسکریه در این باب دقت خودش را بکنند و حکم
بسم ولی هنوز نیامده است و از طرف وزارت مالبه در
این خصوص اقدامی نشده است.

فهم الملک - فرمایشات آقای وزیر جنگ

بنده در فاسح نکرد زیرا برداشتن یک عده قشون و
احاطه کردن اداره مالبه کاری نیست که ما بگوئیم
ممکن است واقع شده باشد و ممکن است واقع شده
باشد بلکه این یک مسئله است که تمام شهر را برهم
زد و قشون اجنبی را که در آنجا متوقف بود
بجرت آورد بنده نمی گویم رئیس مالبه آنجا بی
تصییر است عرض میکنیم که با تصییر است رئیس قشون هم
یک سواله قانونی در دست داشته است و رئیس مالبه
نداده است این منتهی تفسیر او است ولی قانون یک
همچو مسئله را بچاره میبهد به مأمورین نظامی مأمورین
عسکری بیکمده موانیکه همراه او هستند آنها
را بر دارد و اداره مالبه آنجا را احاطه بکنند و در اینجا
تکلیف بخواهد بود که بیکدیگر از مأمورین داده میشود
برای اینکه فرموده معاهده داشته باشد برای آنکه بتواند
محل را اصلاح کند بنده اصلاح درم که اینجور کات
را کرده اند حتی بعضی از حرکات دیگر که حالا چون
سؤال است میخواهم عرض کنم کرده اند در هر
صورت او باینجور کت خودش مقرر است و باید ترتیب
شود و بعد محاکمه با او بشود که تکلیفی دارد نباید
معا که بشود محاکمه او ربطی با این معامه ندارد
و اینکار بیشتر جدیت لازم دارد که در در انجام بدهند
اینکار را بعدا اگر محاکمه هم با او میشود بشود.

رئیس - یک سؤالی آقای فهم الملک دارند

از وزیر جنگ در باب قشون قزوین
فهم الملک - آقایان مسوق هستند از
رفتاری که مأمورین قزوین یعنی یکی از مأمورین
نظامی قشون ساغولی قزوین نسبت به یکی از
مأ و زین مالبه کرده بود و البته و ضمانت یک همچو
رفتاری که خلاف قانون است نسبت با مأمور مالبه کرده
کلامی دادند بنده از وزیر جنگ سؤال میکنم
نسبت بیک همچو مأموری که این کار از او سر زده
است چه کرده اند و آیا کاری کرده اند که بعد از این
ما امیدوار باشیم از این مأمورینی که بجای ایکه
با یکدیگر این طور در مقام ضدیت بر می آید
برعکس در مقام مساعدت و موافقت بر آید و اسباب
آسایش خواهد بود یا خیر.

وزیر جنگ - بعد از اینکه خبر رسید بوسیله

ملکارات و بعضی اظهارات دیگر که زمانغان نام
که مأمور راه انداختن فوج افشار و فوج خرقان
بود چون فوج افشار مأموریت داشت که حرکت بدهد
و بفرستد بخراسان یعنی حقوق مجلس را ببردازد و
بفرستد بخراسان و زوج خرقان را هم با فوج ساغولی
قزوین هوش کند که در شهر مأمور بوده اند اینجا
بعضی اغیارات رسید که سوء رفتاری نسبت با اداره
مالبه کرده است فوراً وزارت جنگ او را از مأموریت
خودش خلع کرده و خواست و اینچاهم کاردار ادو ج
کردیم بعدا کمات نظامی ولی محاکمات عسکری

میکنند و میگویند من سر باز را نبرده ام آنجا یک سر باز
از گرسنگی خودش این اقدامات را کرد و یک نفر از
سر بازها از سر مار آمده است و خود سر بازها طبیعتاً همچنان
آمده است و اگر این همچنان سر باز موجب تصییر است
باید وزارت جنگ دوهزار سر باز را تنبیه کند آنها ممکن
است که وزارت جنگ این دوهزار تنبیه بکنند پنج هزار
نفر را هم تنبیه میکنند ولی در صورتیکه به بیستیم اینها
همچنان کرده اند و مقصود بوده اند یا نبوده اند اما شخص
زمانغان تبرئه میکنند این اقدام را از خودش و میگویند
که من سر باز قشون کردم نصیحت کردم که سر بکشید صبر
نکردند و هنوز هم که دست آن امین مالبه پول نداده
است و چیزیکه هست اینست که میگویند که در این پنجاه
که ما این برات را برده ایم با اداره مالبه با این تا کلمات
اغیر که چندین تلگراف وزارت مالبه را بریدیم که
پول ما را بدهند آیا این امین معامله داد و دست پولی
کرده است یا نکرده است اگر کرده است کدام مخارج
از این لازمتر بوده است که سر باز گرسنه بماند در سرما
در قزوین و تنبیه اینست که میگویند وزارت جنگ نمیتواند
بدون اینکه رسیدگی کند یک نهمه زمانغان را بیورد
و بگوید که ده سال ه سال باید حبس شوی و دو هزار
شلاق باید بغوری اینکار را ممکن نیست بکنند مگر
بعد از رسیدگی و تحقیق.

محمد شاه هم میرزا - غالب سئوالها با زمانغانه

بوجوب نظامنامه داخلی از ترتیب سؤال خارج میدانم
بواسطه اینکه نظامنامه داخلی می نویسد آن کسیکه
سؤال میکند در مرتبه می تواند بطور اختصار جواب
بگوید اما آقای فهم الملک فرمودند که این جواب
ها مرانانغ نکرده اند نظمی است که در موقع استیضاح
می گویند سؤال یک چیزی است که باید آن را
فقط جواب بگویند اما قانع نکردن آنست که استیضاح
بخواهند والا آن یک چیزی است بین سؤال و استیضاح
اگر برای این یکماده در نظامنامه هست بفرمائید
والا خوب است بعدا پیشنهاد شود.

رئیس - همان نظامنامه داخلی می

نویسد که آن سائل می تواند ثانیاً مختصر آجواب
بگوید دیگر این را هم نوشته است که من قانع
نشدم را نمی تواند بگوید نوشته است که می تواند
مختصراً یک جواب بگوید در مسئله معتمد خانان
حاکم اسفهان شاهزاده سلیمان میرزا سؤالی دارید
از وزیر امور خارجه بفرمائید.

سلیمان میرزا - لابد اجازه می دهند که

بنده در کلامه مقدمه از برای سئوالی که میخواهم
بنمایم عرض کنم همه می دانید که از آبه مبارکه
ولکم فی القصاص حیوة یا اولی الباب مقصود این
نست که فقط یک نفر کشته بشود بلکه آن بیستیم
رحمت کشتن آن یک نفر را از برای سلامتی نوع
دمه از توتمان برات داشته اند و در تلگراف بی دردی
بوزارت جنگ شکایت کرده است از ندادن تنخواه و
وزارت مالبه در زمان حیوة مرحوم صنیع الدوله ده
تلگراف بی دردی هر سه روز یکدفعه بر رئیس مالبه
آنجا کرده است که چرا حقوق آنها را نمیدهی اگر
وزارت مالبه تصور نمی کرد که پول پیش مأمور خودش
دارد چطور همچو تلگرافی بیکر دو معاکمات عسکری
تصدیق میکنند که رئیس مالبه آنجا عرض شخصی بخرج داده
است و این مأمور یعنی زمانغان مأمور از خودش تبرئه
کشیده آنها را قصاص کرده بودند مالبه قتلهای متوالی

که قتل امین الملک و حداز او قتل مرحوم صنیع الدوله
آقای آقاسید عبدالله و بعد از او مرحوم میرزا علی محمد
خان و میرزا سید عبدالرزاق خان و بعد از این واقعه
میشوه قتل مرحوم صنیع الدوله را نمیدیدیم و همین
واقعه اخیر آقای معتمد خاقان حکومت اسفهان پارس
عموی ایشان از عدم مجازات است علی الخصوص که
یک فصل میشود هم از معامده تر کمان چای پشت بندش
هست بنابر این بنده میخواهم بدانم که وزارت امور
خارجه در موضوع قتلای که نسبت بضر عموی آقای
معتمد خاقان و صد که بخودشان در اسفهان واقع شده
و انشالله حالا حاشان بهتر است چه اقدامی فرموده اند
و در خصوص قاتل او که عباسخان است و مظنون التبعه
میباشد در صورتیکه تبعه خارجه نباشد چه خیال و چه
تصدی دارند کی خواهیم دید که یکروز بهسبب یکی
یک قانونی در درمیدان عموی بقصاص برسانند تا اینکه
دیگران به بینند و مرتکب نشوند زیرا که بنده خودم
را عرض میکنم که با این ترتیب به چه وجه مطمئن نیستم
وزیر امور خارجه - بدینگونه بعضی از
اتباع خارجه هستند برای مقاصد شخصی و فوایدی
که در نظر دارند وقتی که با بران آمدند قوری خودشان
را تبعه ایران معرفی میکنند و ما هم بمجرد اینکه
آنها گفتند که تبعه ایران میشوند با همه خیرات را
بروی آنها باز میکنیم و آنوقت باید منتظر تمام مضار
بشوم در صورتیکه خود مأمورین دول متبوعه آنها
میگویند که جلوی اینکار را بگیرند اینست که خودمان
جلوگیری نمیکنیم و بایستی نگران خیلی از این مفاسد
بشوم - در این مسئله عباسخان که فرمودند خود او
این اظهار را کرده است که من تبعه ایرانم ولی برای
اینکه رئیس بیلس بشود برای اینکه بیک مقامی
برسد این اظهار را کرده است والا او تبعه ایران نیست
تبعه روس است از اهل قرق باغ است خانه اش در شیشه
است پدرش آمده است در عراق و در عراق یکی از
زنها ی عراقی گرفته است و دو پسر از او متولد شده
است که یکی این شخص است و یکی امام قلیخان نامی
است که در بلاد کوبه است و بعد از اینکه این واقعه
واقع شد یعنی این خبر رسید در همان مجلس که این خبر
رسید اتفاقاً بعضیها بودند که یکی از آنها میبویرم
خان بود و اظهار کردند که من او را تبعه روسی میدانم و
مزمول کردم بعد وزارت امور خارجه بران بیاد کوبه
بتقلیب بیطرز بورخ همه جا تلگرافات کرد و تحقیقات
کرد بالاخره جواب سریع و تلگراف از میرزا سلیمان
خان رسید که تحقیقات کرده بود و هم از مأمور قفقاز
که تحقیقات بکشداری بعمل آمد و معلوم شده بود که
تبعه روسی است و مسلم است که همه آقایان میدانند که
بعد از آنکه تبعیت این آدم مسلم و معزوم شد آنوقت
وزارت امور خارجه جن اجرای عهد نامه ترکمان
چای چاره دیگری ندارد ژنرال فونسلو هم که در آنجا
بود مأمور شد که با کار گذار ما در آنجا اقدامات بکنند
و بعد از آنیکه تبعیت او ثابت شد بکمال آزادی و
بکمال مناسبات و اگر بکنند هیچ تشغش هم توجهی
نمایند و ژنرال فونسلو هم در این خصوص نهایت جدیت
را نمود و لیکن اتفاقاً آن ژنرال فونسلو هم فوت شد
چنانچه شنبه ما بدیدیم و هم از طرف وزارت امور
خارجه یک نفر مأمور علیحده از نواب آنجا فرستاده و
مأمور شده که برود و مأمورین دولت از حکومت و
کار گذاری فراز مجازات او را بدهند صریحاً عرض
میکنم که او به مجازات قانونی خودش خواهد رسید

از این باب خاطر اولیاء امور آسوده باشد ولسی وفتیکه تبعیت او معلوم و مسلم شد مسلماً باید بدو اول عهدنامه رفتار شود .

سلب میات میرزا - بنده عرض میکنم که خوب است زودتر اقداماتی را که لازم است وزارت امور خارجه بنده و مجازات این شخص اگر هم تبعه روسی باشد مطابق عهدنامه باید در روسیه بشود زودتر بشود کلاقل مردم بدانند که بکنوع مجازاتی در بین هست والا این ترتیب که پیش آمده است که هر کسی هر کسی را زد و کشت فوراً بگوید من تبعه روس هستم اگر چه واقفاً هم تبعه روس باشد نتیجه خودش بدست نخواهد آمد و اگر چه شاید از سؤال خارج باشد ولی میخواهم عرض کنم که وزارت امور خارجه را بخصوص ترتیبی را پیشنهاد کنند که بدنام حقیقتاً چه اشخاصی تبعه روس هستند و آنها را بشناسیم و دیگر کار بآن ها رجوع نکنیم .

وزیر امور خارجه - بنده ناچار شدم از اینکه دوباره عرض کنم که اولیای امور مربوط باشند و تصریح میکنم که مسلماً اولیای دولت روس از این اتفاقات بکلی متنفرند و صریحاً در چند موضوع چندین نوع وزیر مختار دولت روس شخصاً اظهار تنفر از این قبیل اتفاقات کرده است و بنده هم بمقامات لازم عرض کرده ام و مسلم است این مسئله یک امری نیست که یک دولتی مثل دولت روس در او کمال دقت را نکند و مسلماً آنها هم که مرتکب این فعل شنیع شده اند بمجازات خواهند رسید و آن مجازات را خواهند فهمید اما در باب رفع این مضار صریحاً عرض میکنم چنانچه دفعه دیگر هم عرض کرده ام که واجب است بر اولیای امور که عبارت از هیئت وزراء و وکلای باشند که منتقماً در این باب اقدامات نموده و نتیجه حاصل بگیرند والا برای هیچکس نه از برای وکیل و نه از برای وزیر آن اطمینان نخواهد بود که در این مملکت باین ترتیب کار نکنند .

رئیس - چند فقره دستخط از بالا ح رت آقای ایب السلطنه رسیده است که برای اطلاع و استحضار آقایان نمایندگان خوانده میشود .

[آقای آقا میرزا ابراهیم خان لویج مزوره را بمبارت ذیل قرائت نمود]

ریاست مجلس شورای ملی - سه فقره یادداشت هم را که لفا ارسال شده ملاحظه و در مجلس قرائت خواهید فرمود .

(۱) در این دوسه روزه ورود بنده حال ثنوری در محبت وزرا مشهود است و چنانکه شفاهاً گفتیم آقای رئیس الوزرا فردای فرد بنده برخلاف انتظار اظهار استعفا کردند و چون قانونی نبود بنده ندیده خیال کردم والا چون اوضاع مملکت بکلی باحال فقور منافی است از وزراء عظام مؤکداً خواهش کرده ام کضه فرضاً هم خیال استعفا داشته باشند و حال آنکه دلیل آنرا بنده هنوز نمیدانم باید رفته امور را نکرده عجلتاً جسد مشغول باشند تا تکلیف کلیه معین گردد و لازم نیست توضیح کنم که تطیل امور دولت در صورت استعفا نیز در هیچ جا معمول نیست .

(۲) حالت حالبه مملکت را نمایندگان محترم

البته بهتر میتوانند در بعضی مسائل اساسی اقدامات سر براه لازم است زیرا منافعی برای مملکت است که در تأخیر از دست خواهند رفت و مضاری متصور است که خدا نخواستہ متوجه خواهد شد .

(۳) از تجار اهالی تبریز تلگرافی در واقعه ناگوار مرحوم صنبح الدوله رسیده که نسخه آنرا البته ملاحظه فرموده ام و گذشته از اینکه فقدان آن مرحوم خسارتهای بمملکت بوده از نقطه نظر دقت نیز که این ظهورات علامت طالع امراض مملکت است اهمیت زیاد دارد و در همین سه چهار ماه قبل در نظیر اینگونه وقایع رئیس الوزرا یک ملت بزرگ نهایت استادگسی را کرده اظهار داشت بزور انارشی ریشه آزادی را قطع میکنند در اینجا میتوان گفت رشته حیات مملکت را خلل زک میرساند آنچه لازم بوده بوزرای عظام بیان شده توجه مجلس مقدس را نیز بااهبت این ظهورات جلب مینماید .

رئیس - این دستخط بمبارک والا حضرت در واقع بدو مسئله مهم راجع است در خصوص مرحوم صنبح الدوله که در واقع از بیاناتی که آقای وزیر امور خارجه فرمودند خاطر نمایندگان مشغول شد و شرحی هم از طرف مجلس تاکید شده است که در باب استنطاق و تنبیه و مجازات مرتکبین هیچ فروگذار نشود و اما در مسئله کابینه وزراء که در ضمن دستخط خردشان اشاره فرموده اند در این قسمت بنده منتظر خواهم شد که نظریات اکثریت مجلس را در آن بسام بنابر طبق آن جواب دستخط مبارکشان را عرض کنم .

آقا میرزا اسدالله خان - در مسائل متعدده رسم است که رئیس جمهور یا پادشاه سلطنت مشروطه با نایب السلطنه در مسئله کابینه با هم توافق را قبل از اقدامات نهایی داشته باشند و الا حضرت آقا ایب السلطنه هم در این باب دستخط فرموده اند و همانطور که فرمودید فقره اولی راجع با اکثریت مجلس است ولی در فقره ثانی آنطوری که معمول به تمام عالم است جواب باید داد که یادداشتها ملاحظه شده است و طرف توجه اولیای امور است ولی وزیر باید در این خصوص یک پیشنهادی بکنند و آن پیشنهاد باید قبل از تمام پیشنهادهای قانونی مطرح شود و چون از طرف رئیس مملکت این اظهار شده است بنده میخواستم یادآوری کنم که اینطور داده میشود .

رئیس - حالا راپورت شبهه سیم راجع به نماینده قاضیات خوانده شود .

آقا شیخ ابراهیم - در آن خصوص بعضی شکایات رسیده است که باید با آنها رسیدگی شود بعد از آن این راپورت خوانده شود .

رئیس - بنده چون مخبرم عرض میکنم که راپورت را بخوانید تا آنکه بنده هم عرض خود را اظهار کنم [راپورت شبهه مزوره از قرار ذیل خوانده شد]

بتاریخ سه شنبه ۲۳ و پنجشنبه ۲۴ ذیحجه ۱۳۴۰ قبل از غروب در تحت ریاست آقا شیخ ابراهیم زنجانی منعقد گردید با اعتبارنامه آقای معذل الدوله نماینده قاضیات و سیستان رسیده کی نموده اعتبارنامه ایشان

حادی صورت انتخاب درجه اول و دوم است که در درجه اول ۱۳۶۹ رأی از بیچند منتخب شده اند - بعد از یک ماه و دو روز از گذشتن انتخاب ایشان رئیس عدلیه قاضیات تلگرافی نموده که جمعی استشهاده فرستاده اند که از انتخاب ایشان ما خبر نداریم و صورت آنرا فرستادم تا اکنون که بنده ۳۰ غیر از تلگراف رئیس عدلیه شکایتی نرسیده شبهه صحت اعتبار نامه ایشان را تصدیق می نمایم .

حاج شیخ اسدالله - این اعتبار نامه قریب ۱۴ ماه است که آمده است و قریب دو ماه بود که در شبهه سیم بود و در این باب سه جلسه شد جلسه اول مذاکراتی نشد و دو جلسه دیگر مذاکراتی در این باب شد یک تلگرافی مطابق این راپورت که تقدیم مجلس شده است از رئیس عدلیه آمده بود که از اهالی دهات عریضه رسیده بود که ما از این انتخاب خبر نداریم و همین او را من ضبط کردم و سواد او را تقدیم مجلس نمودم و چون عین آنرا فرستاده بود نوشته بود که سواد عریضه را فرستادم و آن سواد هم رسمیتی نداشت و باید عین عریضه را بفرستند .

رئیس - اوقات بفرمائید خاطر مبارکشان مسیوق است که نظامنامه داخلی میگوید که وقتی که یک حرفی راجع با انتخاب یک نماینده شد نباید در آن خصوص مذاکره کرد تا آنکه آن راپورت طبع و توزیع شود و چون در این خصوص آقای شیخ ابراهیم اظهار کرده اند بنده لازم میدانم که این مطلب بماند تا راپورت طبع و توزیع شود آن وقت داخل مذاکره آن شویم .

حاج شیخ اسدالله - بنده متهم این راپورت را میخواهم عرض کنم .

رئیس - نظامنامه داخلی اینطور میگوید که وقتی که درباره بک راپورتنی اظهار مخالفتی شد در آن خصوص نباید مذاکره شود تا آنکه آن راپورت طبع و توزیع شود .

حاج شیخ اسدالله - عرض کردم که بنده فقط میخواهم متهم و ناقص این راپورت را بر عرض نمایندگان برسانم حالا اجازه نمی دهید مختارید .

رئیس - عرض کردم نظام نامه داخلی بما می گوید که در این باب نباید حرف زد تا آنکه طبع و توزیع شود حالا شروع می کنیم بشور در لایحه قانونی وزارت جنگ راجع بچاپ سوار ایلات (ماده اول - کمیسیون نظام مجدداً قرائت شد)

رئیس - در باب این ماده آنروز خیلی مذاکرات شد و بعضی پیشنهادهای از طرف نمایندگان مطرح شده بود که بواسطه کافی نبودن عده نمیتوانیم در آنها رأی بگیریم و به بنده که قابل توجه میشوند یا غیر حالا آن پیشنهادهای ما میخوانیم تا اینکه در قابل توجه و دن آن ای بگیریم (۱) از طرف آقای بهجت بنده تقاضا می کنم که لفظ سراز بده نی باشد از ماده اول اسقاط شود (۲) از طرف آقای

حاج عزالممالک بنده پیشنهاد می کنم مطابق اظهار آقای ماضد الملک لفظ طوائف بز نوشته شود (۳) از طرف آقا میرزا یانس بنده پیشنهاد می کنم که ماده اول چنین نوشته شود از کلیه ایلات و طوائف و ملل متنوعه که سراز بده نمیشاند دولت بموجب آن قانون سوار بگیرد .

رئیس - حالا باید در این پیشنهاد ها رأی بگیریم که قابل توجه است یا غیر .

حاج عزالممالک - بطوریکه آقای ماضد الملک در جلسه قبل فرمودند بنده این پیشنهاد را کردم از برای زیاد شدن لفظ طوائف بملاحظه یکی اینکه ایلات ایران اغلب مردود - بطایفه هستند مثل طایفه سکوند بزرگ و ندو یکی بملاحظه اهراب بجهت اینکه وقتی که بنده می آمدم عشایر عرب که آنها طایفه گفته می شوند خیلی مایل بودند که بدولت سوار بدهند .

عززالملك - بنده با پیشنهاد اول سیم مخالف هستم و با پیشنهاد دوم موافق هستم ولی بآن معنی که طایفه هم همان معنی ایل را مینماید چون ممکن است در بعضی جاها برائش اختلاف اصطلاح ایل می گویند و در بعضی جاها طوائف می گویند معنی اینکه بصورت ظاهر از عبارت هم چون مفهوم می شود بنده این پیشنهاد را تصویب می کنم ولی پیشنهاد اول که پیشنهاد کرده اند جمله سراز بده نمی باشد از ماده اول حذف شود در جلسه گذشته شرحی عرض کردم و امروز دیگر به آن نصیحت ذکر نخواهم کرد ولی مختصراً عرض می کنم که این سراز نیست که یک ایلی که سراز بدهد است و حالا هم میدهد بر او تحویل بدیم که باید سوار هم بدهد در صورتیکه آن ایلی که سراز میدهد مثل بنده سوار میدهد هیچ فرقی نمی کند برای آن که آهنگ تمجیلی است که بر آن ایل شده است و همان وقتیکه سراز بدهی آن ایل موقوف شد حکم همان اهل سوار بده را پیدا می کند و مجبور می شوند که سوار بدهند پس اینجهت مجبور بودم این عرض را بکنم که بر بعضی ایلات در تعجیل نشود که هم سراز بدهند هم سواد باینجهت با آنکه پیشنهاد مخالف هستم و به آن پیشنهاد موافق اگر طایفه معنی ایل را بیروانه و با پیشنهاد سیم هم که از آقای میرزا یانس است مخالف هستم فقط یک جهت برای اینکه البته هر یک از مللی که در این خاک زندگی میکنند هر یک در این خاک هستند و در دفاع و محافظه آنها باید شریک باشند و وقتیکه ما خواهیم از کلیه افراد این مملکت قشون بگیریم بکنیم البته این ملاحظه را خواهیم داشت و رأی مقرر آنزمان این مسئله را حل خواهد کرد ولی ما حالا می خواهیم سوار بگیریم از ایلات و طوائفی که تقریباً در این مملکت زندگی میکنند و اعتماد اینکار را دارند پس بنده اساساً هیچ اظهار عقیده نمی کنم که این پیشنهاد صحیح است یا غلط است همین قدر عرض میکنم که این بسته است بنظر آن معنی که بعد این مسئله را خواهد کرد .

میرزا یانس - چون از زمانیکه بنده وارد

شده ام در این مجلس مقدس تا بحال این دفعه اول است که یک قانونی بجهت گرفتن نظام در این مملکت پیشنهاد شده است و این دفعه اول را بنده نمیتوانستم غنیمت نشمارم و عقیده آن ملتی را که بنده شرف نمایندگی آنها دارم در خصوص مجلس مقدس اظهار نکنم دو جلسه سابق وقتیکه بنده این پیشنهاد را کردم در همین جا اینکه ایستادم یک ایراد بنده پیشنهاد بنده گرفته شد و ایرادش مبنی بر قوانین مذهب اسلامی بود - بنده خیلی تأسف دارم که از قوانین این مذهب معتزلمان اندازه که خودم مایل هستم اطلاع ندارم ولی یک قدری از سیاسیات مملکت و مملکت داری اطلاع دارم و آن اطلاعات مرا مجبور میکنم که یک قدری از آنها را در اینجا عرض کنم البته آقایان نمایندگان میدانند که وقتیکه افراد اهالی یک مملکتی ادعا کرد که ما آزادی و مشروطیت را در بین افراد نشر کردیم بعضی وظایف و خصوصیات را دارد که باید آن ها را رعایت نمایند و تساوی حقوق افراد آن مملکت ممکن نیست دیگر این که در وظایف با هم شریک باشند بنده نمیتوانم تصور بکنم که بایک اهالی باید صد تومان وجه نقد سرمایه شریک آن بشوم که آن اقا هزار تومان سرمایه گذاشته باشد و بعد در موقع تقسیم منافع سرمایه بکوشیم بصد و پنجاه تومان ارمال من و هم باشد تا هم همان هم ساری باشد از یک عریضه دیگری می باشد که وظایف یکی کمتر باشد و حقوق مساوی باشد با اینکه وظایف مساوی کمتر بوده است به با بفرمائید پس در این صورت تساوی بودن در منافع این مملکت تضای این را دارد که افراد آن بجهت آن نگهداری آن مملکت در سببش چون بریزند و در سببش زراعت بکنند و به نوعی هم در آن زمین که خون خودشان آنرا محافظت کرده اند و با دست خودشان در آن زراعت کرده اند بشینده و فایده آنرا با هم بخورند والا قسم دیگری تصور نیست که عقل با آن همراهی بکنند آمدیم بر سر این مسئله که از ملل متنوعه قشون گرفته شود یا نشود البته تمام آقایان معلوم شده است که در هر یک که ما زیست میکنیم عهدیست که هر ملتی هر قدر هم عاقل و کم و کجک باشد بی حقوق خودش برده است و در استرداد حقوق عامه که تا اندازه که توانسته است جان نثاری کرده اند و آنها را بیکه نگه داشته حاضرند بکنند و متأسفانه در یک عهدی زیست می کنیم که محافظت حقوق نمیتواند وجود داشته باشد مگر اینکه تکلیف بیک نفر می کشد و شاه باشد و ملل کوچک هم که این مسائل را فهمیده اند هر یک بجهت خود تهیه وسایل کرده اند که خودشان را با نواسطه حفظ نمایند بنده وقتیکه در این مجلس مقدس عرض می کنم که شما از ملل متنوعه قشون بگیرید همانطور که از غیر ملل متنوعه میخواهید بگیرید و در این مسئله جنبه وطن پرستی من نیز جریب در جنبه ملت پرستی آن ملتیکه من نماینده آنها هستم این ملل متنوعه از خودشان یک قوه داشته اند یا خواهند داشت و اگر ندانند ایجاد خواهند کرد اینست که بنده پیشنهاد این دولت میکنم که آشوقه را مرکز مملکت بدست خودش بگیرد و بجهت حفظ منافع عمومی جمعی این ملک بکاربرد و

الا آشوقه بدست هائی خواهد افتاد که شاید مناسب حفظ منافع عمومی مملکت نباشد و بنده باز هم تکرار میکنم که در این پیشنهاد جنبه وطن پرستی ایرانیست بنده میباید بر جنبه ملت پرستی از ملت بنده .

لواءالدوله - عرض میکنم که اینجا یکی دو مسئله باید توضیح بشود والا اینکه اینجا از طرف وزارت جنگ پیشنهاد شده است در خصوص گرفتن سوار از ایلات است و فرض طوائف نیست وانگهی فرض وزارت که مخصوصاً از ایلات پیشنهاد کرده اند گرفته شود این بوده است که اشخاصی که سوار و بیابانی هستند دارای شجاعت میباشند سوار بگیرند والا طوائف آقدر نباید بیابانی باشند که بتوان از آنها هم سوار گرفت حالا به بنده اگر آن پیشنهاد گرفتن سوار از طوائف قابل توجه شد آشوقه میشود در پیشنهاد آقای میرزا یانس صحبت کرد .

حاج عزالممالک - بنده با فرمایشات آقای معز الملک موافق هستم عرض میکنم که مراد از آنکه طوائف همان طوائفی هستند که ایل یا از عشایر عرب باشند ولی باسم ایلی معروف باشند حالا از چادر نشین ها هم بخوانند جز بکنند یا نکنند باید رأی گرفت و کبیله مقصود بنده این پیشنهاد فقط همین که طوائف زیاد شود بهمان جهتی که سابقاً عرض کردم [گفته شد مذاکرات در این خصوص بعمل آمده است خوب است رأی بگیریم]

ارباب کیخسرو - بنده در یک مجلس وقتی که در آن اطاق بودیم عرض کردم - بنده اگر چه از طرف زرتشتیان انتخاب شده ام ولی هیچوقت از طرف زرتشتیان حرف نمی زنم مگر در آن موقع که به بنده حقوق ایرانیست آنها میخواهند از میان برود این را هم عرض میکنم که زرتشتیان هیچوقت عادت بچنگ کردن نداشته اند و در این نبودند و عده شان این قدر نیست قابل این مسئله باشد و در جلسه گذشته یک مذاکره در اینجا شد که میخواست نقض کند قانون اساسی را در اصل هشتم متمم قانون اساسی می نویسد (اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی تساوی حقوق خواهند بود) و عنوانیکه بر پرورزا اینجا شد چنان فهماند که افواصی که خارج از اسلام در این مملکت هستند باید از این قانون بی بهره باشند بنده هیچ نمی فهمم که این قانون دولتی که در قانون اساسی می نویسد چه قانونی است که آنها باید در مقابل آن تساوی حقوق باشند قانون قشون گیری که تساوی نیست اگر هم کسی کشته میشود در جانی قابل گفتگو نیست ترتیبات دیگری هم که از برای آنها حاصل میشود هیچ قابل توجه نیست پس بنده نمیدانم که کدام قانون مملکتی آنها متساوی حقوق خواهند بود این را هم بنده عرض کنم که بنده در این مقام که عرض کنم طایفه زرتشتیان ایل می باشد و باید از آنها سوار گرفت ولی چون آن اظهارات را مخالف این اصل دانستم خواستم این جا توضیح بدهم یکی از اشخاصی هستم نه در این موقع بلکه در هر مقام مراعات تمام اصول قانون اساسی را کردم و حافظ قانون اساسی بودم و هر وقت

اشاره شده بود این جوابی است از طرف مجلس شورای ملی که بحضور اقدس والا حضرت ایشان عرض شده است ایشان میخواستند که نظریات آقایان در آن معلوم شود و ابلاغ بکنیم و این مسئله راهم که حضرتعالی میفرمائید در باب اکثریت ثابت بک مطلبی که لازم است بایشان عرض شود و در باب این جواب اگر اعتراضی دارید بفرمائید.

آقای میرزا احمد - عرض بنده را التفات فرمودید بنده عرض کردم یکی از مطالب آقای نایب السلطنه بضم قرینه خارجی که معین فرموده بودند معین شدن اکثریت ثابت بود در مجلس این هیچ جای شبهه نیست از این جهت بنده عرض کردم که از آنهم اشاره بشود.

آقای آقا میرزا احمد - بنده عرض نکردم که یکی از مطالب سرنومه در دستخط حضرت اقدس آقای نایب السلطنه راجع با اکثریت بوده عرض کردم که چون یک فقره از دستخط های ایشان راجع بمطالب اساسی و البته یکی از آن مطالب اساسی اثبات اکثریت پارلمانی است خوبست این مطلب هم نوشته شود و این هم یک چیزی نیست که یرده یوشی بشود و بعضی بگویند که اکثریت ثابت در مجلس موجود هست یا نیست و از این جهت بود که عرض کردم که در این خصوص هم ذکر می شود تا اینکه مردم هم بدانند معنی اکثریت چیست و کجا هستند و این مطلب هم هیچ خارج از موضوع نیست مخصوصاً لازم بود که در این خصوص مذاکره شود.

رئیس - حالا در باب این جواب یک مرتبه دیگر خوانده می شود که اگر صلاح بدانند امضاء شده و ابلاغ بشود [مجدداً جواب مزبور قرائت شد].

رئیس - در این خصوص ملاحظه نیست (گفتند خیر).
رئیس - در ضمن دستور امروز یکی راپورت کمیسیون نظام بود راجع بطلب قشون از ایلات ولی چون آقای وزیر جنگ قدری کسالت دارند خواهش کرده بودند که مذاکره در آن نماینده برای جلسه دیگر که خودشان حضور داشته باشند نیست که این را از دستور امروز خارج می کنیم و شروع می کنیم بشور در بقیه قانون دیوان محاسبات.

حاج آقا - چندین مرتبه اینجا گفته شد و معلوم شد بنده باز تکرار می کنم و این ماده را میخوانم ماده (۱۰۴) نظامنامه داخلی اینطور بنا میگوید - که قبل از آنکه داخل موضوعات مباحثات شوند رئیس نوشنجات و مطالبی که راجع بمجلس است با اطلاع نمایندگان میرساند - در این دوره این ماده از نظامنامه ابداً معمول نشده است بواسطه اینکه عراضی که بمجلس می آید آن چیزیکه راجع بوزارتخانه است که البته کمیسیون عراض رجوع بآنجا میکنند ولی بمجلس است که ابتدا راجع بیک وزارتخانه نیست مخصوصاً خطاب بمجلس است و مطالب مهمه است و بعضی هم خطایش بولکلاست و باید با اطلاع مجلس شورای ملی برسد و نمایندگان بدانند از این جهت خواهش می کنم که بعد از این این ماده از نظامنامه اجرا بشود و تلگرافاتی که بمعاون مجلس در کلاه میرسد و خطاب بآنهاست و از مطالب مهمه است در مجلس خوانده شود و از آن قبیل یک تلگرافی از شیراز در قضیه قتل مرحوم صنیع - الدوله رسیده است خواهش می کنم آن تلگراف هم خوانده بشود - احساسات عموم در آن خصوص معلوم بشود.

رئیس - اینکه می فرمائید بموجب این

ماده رئیس در اول جلسه پاره تلگرافات و نوشتهجاتی را که لازم است عرض بمجلس برسد با اطلاع نمایندگان میرساند بنده هم این را تصدیق می کنم ولی حرف درازم است و هر یک از نمایندگان در اینجا یک نظری دارند حضرتعالی میفرمائید یک تلگرافی را لازم میدانم بنده هم یک تلگراف دیگری را لازم میدانم که در مجلس خوانده شود ولی همان نظامنامه که این مطلب را می نویسد می نویسد که آن چیزهایی را که کمیسیون عراض یا هیئت ریشه لازم میدانند در مجلس خوانده میشود و همین طور در دوره های سابق عمل شده است و بعد از این هم عمل خواهد شد (شروع بشود در قانون دیوان محاسبات شده مواد ذیل که از کمیسیون قوانین مالییه پیشنهاد شده بود قرائت شد).

فصل پنجم - در رسیدگی بحسابهای وزراء و نهی راپورت سالانه.
ماده (۱۲۹) حساب های وزراء و محاسبات کل مالییه که موافق ماده (۵۱) بدیوان محاسبات داده میشود بدو آبخاک رجوع خواهد شد پس از رسیدگی رئیس محکمه یکی از مستشاران را مأمور می کند که از روی نتایج حاصله از رسیدگی محکمه راپورتی تهیه نموده و در روزیکه رئیس کل معین خواهد کرد که تقدیم مجلس عمومی نماید.

رئیس - در این ماده مخالفی است [اظهاری نشده].
پس رأی می گیریم که این ماده موافقت با این ماده که خوانده شد قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شده).
ماده (۱۳۰) هر یک از محاکم دیوان محاسبات پس از رسیدگی بحساب وزراء و صاحبان جمع در باب موافقت رفتار ادارات مختلفه دولتی با قواعد اداری راجعه بدالیه مذاکرات خواهد کرد.

رئیس - مخالفی با این ماده نیست (گفتند خیر).
رأی می گیریم که این ماده موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شده).
ماده (۱۳۱) رئیس محکمه یکی از مستشاران آن محکمه را بسمت مقبری معین میکند تا راپورت کتبی در خصوص نتایج حاصله از مذاکرات ماده فوق تهیه نموده در مجلس عمومی پیشنهاد کند.

رئیس - مخالفی در این ماده نیست (اظهاری نشده).
پس رأی می گیریم که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد).
ماده (۱۳۲) رئیس کل هر ساله کمیسیونی مرکب از هیئت محاکم و سه نفر مستشار که هر یک را یکی از محاکم معین خواهد کرد و مدعی العموم تشکیل دهد در خصوص تغییرات و اصلاحات لازمه قوانین و قواعد اداری راجعه بدالیه و بقود و اموال دولتی مشاوره میکنند.

حاج شیخعلی - اینجا نوشته است اصلاحات لازمه قوانین - اصلاحات قوانین از مختصات دیوان محاسبات است نیست تا اینکه او بتواند اصلاح کنند از این جهت عقیده بنده این است که این کلمه را از اینجا بردارند.

فهم الملک - در باب اصلاحات قوانین

مشاوره میکنند بعد از آن بمجلس می آید نه اینکه در همانجا اصلاح بشود.

رئیس - رأی می گیریم که این ماده موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد).
ماده (۱۳۳) - مستشار هر محکمه راپورتی در باب اصلاحات و اقداماتی که محکمه مزبوره در عرض سال و در ضمن اجرای وظایف خود لازم دانسته است تهیه نموده و یک کمیسیون تقدیم میکند.

رئیس - در این ماده مخالفی نیست (گفتند خیر).
رأی می گیریم که این ماده موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد).
ماده (۱۳۴) - رئیس کل یکی از مستشاران را مأمور میکند که از روی نتایج مذاکرات کمیسیون راپورت کتبی تهیه نموده و به مجلس عمومی تقدیم کند.

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشده).
رأی می گیریم که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد).
ماده (۱۳۵) - پس از اینکه موافق سه ماده فوق تقدیمات بعمل آمد رئیس کل جلسه عمومی را منعقد و در خصوص راپورت های محاکم مذکوره در مواد (۱۲۹) و (۱۳۱) و (۱۳۴) راپورت کمیسیون مذاکرات میکنند پس از آن در یک یا چند جلسه متوالیه مذاکرات بعمل آمده و قرار راپورت سالانه مذکور در ماده (۵۶) داده میشود و رئیس کل یکی از مستشاران را برای تهیه راپورت معین می نماید.

رئیس - مخالفی که در این ماده نیست (اظهاری نشده).
رأی می گیریم که این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد).
ماده (۱۳۶) - پس از آنکه راپورت محاکم راجعه بطالعه حسب وزراء و محاسبات کل مالییه در جلسه عمومی مذکور در ماده (۱۲۸) قرائت شد دیوان محاسبات در باب رسیدگی و تصدیق نامه مطابقت که در ماده (۳۸) و (۵۴) ذکر شده است مذاکره کرده و راپورتی تهیه میکنند راپورت مزبور و صورت مذاکرات بوزیرمالیه تسلیم میشود تا بموجب ماده (۵۶) بشیبه لایحه قانونی تفریح بودجه به پارلمان پیشنهاد نمایند.

فهم الملک - اینجا دو مسئله است که باید اصلاح بشود یکی اینکه ماده (۱۲۸) باید (۱۲۹) نوشته شود یکی هم در آخر باید بجای کلمه پارلمان مجلس شورای ملی نوشته شود.

ارباب کیخسرو - بنده در سابق عرض کردم و حالا هم عرض میکنم در جاهایی که کمیسیون گاه پارلمان آورده است لابد یک نظری داشته است اگر چه بنده در کمیسیون در بعضی جاها که این کلمه استعمال میشد خیلی جد داشتم که نوشته نشود بجای آن مجلس یا مجلسین بنویسند ولی رأی آقایان این بود که همین طور پارلمان باشد و حالا خواهش می کنم که آقای مخبر توضیح بدهند که مقصود از این کلمه مجلس شورای ملی است یا مجلسین است و اگر مقصود مجلسین است البته باید رأی مجلس در آن خصوص معلوم شود و بیاری نوشته شود.

فهم الملک - همین طوری است که بنده

عرض کردم اینجا راجع می کنند بماده (۵۶) و در آن که رأی بآن داده شده است مجلس شورای ملی نوشته شده است و اینجا هم که مجلس شورای ملی نوشته شود مطابق آن آماده خواهد بود.

مؤتمن الملک - ماده (۵۶) را خوب است بخوانند. عبارت ذیل قرائت شد.
ماده (۵۶) - راپورتیکه در خصوص فقرات ذیل نوشته خواهد شد بصورت مذاکرات ماده فوق ضمیمه شده بالاخره قانونی تفریح بودجه بمجلس شورای ملی پیشنهاد می شود.

رئیس - مخالفی که در این خصوص نیست (اظهاری نشده و ماده مزبور با تبدیل کلمه ماده (۱۲۸) بماده (۱۲۹) و کلمه پارلمان بمجلس شورای ملی قرائت گردید).

رئیس - کسانیکه با این ماده موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد).

آقای میرزا ابراهیم خان - اینجا قسمت چهارم از پیشنهاد وزیر را که راجع است بوضع شکایات و قطع اصلاحات ارباب و وظائف را کمیسیون حذف کرده است.

فهم الملک - این قسمت همین طوریکه فرمودند راجع است برسیدگی و شکایات ارباب حقوق و چون در سابق ذکر شده رسیدگی بوظایف و مستمریات و تظلمات راجع بآنها راجع بوزارت مالییه است و آنچه هم در اینجا مقصود است راجع ببقدری و وظائف تقاعدی است و یک همچو قانونی عجاتاً در کمیسیون مطرح مستذکره است از این جهت آن ماده را که راجع باصول این مطلب بود در ضمن تعیین تکالیف و وظائف دیوان محاسبات رای کمیسیون بر این بود که حذف بشود و آنچه که حذف شد لابد این سه چهار ماده هم که راجع بحاکمات آن مسئله است می بایستی حذف شود.

آقا میرزا داود خان - همین خوری که فرمودند قسمت چهارم را کمیسیون حذف کرده است و قانوناً باید در این باب برای گرفته شود (آقا شیخ غلامحسین نیز تقاضای رأی نمود).
ماده (۱۱۷) از قسمت چهارم پیشنهاد وزیر عبارت ذیل قرائت شد.

دیوان محاسبات رسیدگی بتظلمات و رفع اختلافات ارباب و وظائف را بدو یکی از معینان درجه اول رجوع می نماید که پس از رسیدگی و تحقیقات ابتدائی راپورتی از مفاد عریضه و خلاصه تحقیقات و رأی خود ترتیب داده بمحکمه ای که معین شده است بدهد.

رئیس - این قسمت کلیه چهار ماده است که حذف شده است حالا دو نفر از نمایندگان اظهار کرده اند که باید در این خصوص رأی گرفته شود و این اظهار هم قانونی است و باید در این خصوص رأی بگیریم ولی خوب است آقای مخبر قبل از رأی در این باب یک توضیحی بدهند.

فهم الملک - عرض کردم در بند اول و دوم که تکالیف و وظایف دیوان محاسبات است بطور کلی معین میشد که رسیدگی بحسابهای صاحبان جمع و محاکمه ها و رسیدگی بحساب کسبانهها و شرکت هائی که حق رسیدگی بدولت می دهد بک ماده در پیشنهاد وزیر بود که بشکایات و تظلمات ارباب حقوق رسیدگی می کنند آن ماده از این قانون حذف شد صحیح هم بود بجهت اینکه عجاتاً اگر یک همچو ماده ای در این قانون نوشته میشد بدین قانون منضم میشد تمام ارباب حقوق می ریختند بدیوان محاسبات و دیوان محاسبات نمی توانست بکارهای خودش رسیدگی نماید ولی بک مسئله که راجع بدیوان محاسبات است و باید رسیدگی کند مسئله حقوق تقاعدی است که مستخدمین بعد از یک مدتی از خدمت معاف می شوند و یک حقوق تقاعدی باید بآنها داده شود نظارت در آن قانون راجع بدیوان محاسبات است و اشخاصی که آن قانون باید در مورد آنها اجرا بشود شکایاتی که دارند باید بدیوان محاسبات رجوع نمایند و اگر می بایستی که درباره رسیدگی بشکایات ارباب حقوق حقی در این قانون بدیوان محاسبات داده شود در موفیکه آن ماده که راجع باصول اینکار بوده خوانده میشد می بایستی تصویب بشود و حذف نشود ولی بازم اگر بنا باشد که این حق را بدیوان محاسبات بدهند ممکن نیست که چند ماده در این خصوص در اینجا قید بشود والا این موادیکه در اینجا نوشته شده است راجع است بحاکمات آن ماده که در آنجا حذف شد که مثلا چهار رسیدگی میکنند و بعد از رسیدگی حکمی که صادر می شود قطعی خواهد بود و اعتراض و تجدید نظری در آن نخواهد شد یا غیر از این است و حالا چون اصل آن از این رفته است دیگر این مواد موضوع پیدا نمی کند برای اینکه اصل آن را رای داده اند که حذف شود و همان طوریکه بنده عرض کردم ممکن است نظیر این مواد اصولاً و زورماً در قانون تقاعدیکه بمجلس می آید قید گردد که دیوان محاسبات حق رسیدگی به آن داشته باشد و الا در اینجا موثمی نخواهد داشت.

آقا شیخ غلامحسین - دلیلی را که آقای مخبر فرمودند مکنی نبود بجهت اینکه میفرمایند اگر این چهار ماده در قانون دیوان محاسبات نوشته میشد ممکن بود که کار دیوان محاسبات زیاد شود این دلیل نمی شود از برای اینکه این مواد حذف بشود برای اینکه اگر این مواد از اینجا حذف شود این اختلاف و شکایات ارباب حقوق را از رؤسای مالییه و غیره را که تولید می شود اینها را کی دفع خواهد کرد میفرمایند در وزارت مالییه رسیدگی می شود در وزارت مالییه که یک محکمه نیست که این قسم امورات رسیدگی نماید.

فهم الملک - این فرمایشی که فرمودید خوب بود ولی در موقعیکه اصول این مواد خوانده میشد شاید هم در آن موقع بنده باشاهم عقیده بوده ام در اینکه این حق باید بدیوان محاسبات داده شود ولی حالا که آن ماده را که راجع باصول اینکار